

سعادتمندی حضرت رسالت نباه صلی الله علیه و آله و اصحابه سبب و
 و هیئت نزول یافت و در و به نهایت و صلوات بیجا نیست برین سرور و
 و بهتر اولاد ابوبشر که محبان و پادشاهان سنت سنیه آن حضرت فرمود
 بسبب وجود شریف و منظر لطیف او و میرکت متعجبست درین فوج و
 شرح ستیقم او هر یک درین امت چراغی گشته اند رضوان الله تعالی علیهم
 اجمعین اما بعد از حمد حضرت پروردگار و درود بر احمد مختار چنین گوید بنده بابت
 و سرگشته وادی ندامت محمد بن شیخ محمد سرور از که مدت وید و عهد بعید
 پای سلامت بر تنک سلامت زدم و در طلب او را دو ماه و ده که
 علماء و سلف را و ندیده است بچنگ آورم تا بعد از مدت هشت سال از
 خرم و وطن بیکه معظمه را دیدم و شرفها رسیدم و استغفار از این فوج مینمودم تا
 غزیری از وطن مجاور بود گفت در مدینه شریفه حضرت رسالت نباه صلی
 کتابی بر زبان فارسی و عرب را از ان حلقی نیست و غالباً خواص آیات کلام
 را با نود و خالصیت مودت تنزل اسمائیسف چون طلب دعای حاجت میکردم خبر شرح
 شنودم قرار گرفته همراه جمعی موجه شرب کتشم و شب و روز توابع نموده تا بود
 آن محبوب جانم و مقصود و جهان را رسیدم دیدم جزوی چند از تعریف
 حضرت امام تمام شایع آیات کلام طالب رضای ملک غلام احمد بن محمد
 بن ابراهیم النعمانی که آنرا جواهر القوان نام کرده و این بیست مردی افتاد

که اعظم القوان

که مطلقاً فارسی ننویسد و خط نمیشناسد خواند چون بدیدم دل بر او بسته و بانشین ~~که~~ آن
 از جنگ مرد و نایب بیرون آورد و باز غنیمت سمیت الله نمودم و پیشتر از این
 غنیمت مجاور بودم و از مطالعه نیا سودم مگر ز اول تا آخر و از انبیا و انبیا در نظر
 آورده دیدم که مصنف از فائده الکتاب تا سورة الناس بر تریب سوره و
 آیات خواص آن نوشته و گذاشته بخاطر بنده رسید که مطالب حاجات را
 که همی روی نماید بر آتی کجا جوید و اگر چند آیت بجهت حصول مراد خواند باید بجهت
 خواندن از باطن انبیا و از روحانیت علای سلف قدس الله اسرار رحم الله انچه
 چند آورد از تریب دادم و هر روز بر ابط فی اسناد آن که مقدم کرد و معین گرداند
 عدد در قسم کبیر و وسط و صغیر و خاتم و خاتم خاتم و در هر عدد آیات معین است ختم
 به سیاض بودم و اغلب آیات بعدی قیام نموده اثری عظیم کردم و در صحت حصول
 آن هیچ شک و برهی نیست و این را تحفه الغرائب نام نهادم و باشد التوفیق و باب
 این موافق اسناد و آورده امام صلوات الله علیه جمعین و مشهور است و بر وجه فلکی
 و بالله عصمت باب اول در کشف قلوب و قلوب و صفای هر باطن و اظهار
 مغیبات و علم لدنی چون خواهد که بدین علم شریف مطلع گردد و در مدت یکصد و بیست روز
 ختم این آیات با تمام رساند و کبر این شصت و پنجاه و یکصد و شصت بار است
 و در این ایام هر روز پیش از طلوع صبح و بعد از طلوع با نصد و چهل و شصت بار بخواند
 ایام ختم با تمام نام رسیده ابواب علوم غریبه از مکاشفات و مغیبات بر وی منضم

کرده و اگر چه در حد و وسط او بیکی مجلس مقصد و نود و چهار نوبت در خلوت
 بخواند و بخورد و از علم او در سب و دانایان صلوات الرحمن علیها با بهره کرده و خلوت
 و خلوت و صوم و سکوت لایم این و در صفت و اگر تواند بعد خاتم هر روز چهار
 نوبت بخواند تا چهل روز از کشف و مغیبات و کیمیا و هندسه و در نیت و اح
 و ظهور عجایب و غایب بر باطن او ظهور کند و از جمله کشف حساب و معقولات
 و توقف ضار الهام و خیر از عالم و فتح مشکلات کلی بنویسد بر ورق زیتون
 بشک در عفران و فرو نهد بآب باران نیستی و در شیت کند و چهل روز
 قدر بیاید و در شربت با طعام بخورد اگر که عدد و صغیر نه بار شربت بر آن طعام
 یا شربت خواند چون از معین یا تمام رسد شربت چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه این باب
 را هفت نوبت کفایت خاتم است بخواند جمیع از عالم غیب بر و ظاهر گردد و در
 امور مشکلات او را برهنه کند و بعد خاتم خاتم هر روز بخواند مفید بود و خواص این
 آیات در اجزای او بود و مادرین نسخ بدین قدر اختصار افتاده و الله اعلم
 این شنب و التوفیق بسم الله الرحمن الرحیم آمین لا اله الا هو الحی القیوم نزل علیک
 الكتاب بالحق معصدا لما بین یدیه و انزل التوراة و الانجیل من قبل یدئ النبی
 و انزل الفرقان ان الذین کفروا آیات الله لم یغضب الله علیهم و الله غفور
 قلیل الله نونی ملک من نسی و متنع ملک من نسی و متنع ملک من نسی
 و متنع ملک من نسی و متنع ملک من نسی و متنع ملک من نسی و متنع ملک من نسی

فی اللیل و تخرج الحی من المیت و تخرج المیت من الحي و تزدق من ثلث و پنجاب
 و عنده مفاخر الغیب لا یعلمها الا هو و علم ما فی البر و البحر و ما یسط من خلق الله
 و لا حقیة فی ظلمات الارض و لا رطب و لا یابس الا فی کتاب مبین آراکله
 احکمت آیاته ثم فصلت من لدن حکیم خبیر و اما بعد ارکان نظامین زمین و آسمان
 ابدیت و کان تحت کثر لها و کان ابوها صالحا فاراد ربک ان یلجا اشد بها و یستخرجا
 کثیرا حجة من ربک اقرب للناس فی کل جمیع و هم فی غفلة معرضون اقد نور السموات
 و الارض مثل نوره کمشکواته فیها مصباح المصباح فی زجاجة الزجاجة کانهما کوب
 در می نوقد من شجرة مبارکة زیتونیه لا شرقیه و لا غربیه کما ذریتها یحیی و لو لم تمسک نار
 نور علی نور سیدی اقد لنور من ثلث و یضرب اشد الا مثال للناس و اشد کل شیء
 علیم باب دوم در طلب جاه و مناصب عالی و استخراج قلوب سلاطین و عوام
 و بخت حصول این امور بعد کسب این اوراد که بجا و هفت هزار و دویست و سی و شش
 سب در مدت یکصد و بیست و نه روز هر روز چهار صد و هفتاد و هفت بار و در روز
 آخر که ختم با تمام رسد شیرینی بصدق کند و هنوز با تمام نارسیده اورا اجابت
 معلوم گردد و اما باید که تمام کند تا در آن عمل مقیم باشد و اگر بعد کسب نتواند خواند عدد و سبط
 بیک مجلس تصد و هشتاد و هشت نوبت بخواند و عدد دیگر هفت سب و خاتم عدد
 سب و خاتم خاتم سب نوبت سب اما خاتم را چهل و نوبت بخواند و خاتم خاتم را و در باید
 کرد تا بجا بنصب عالم برسد و خواص این آیات کوی آن سب که اگر کسی از عمل غفلت

شده باشد و از سلطان مستور باشد و خواهد که سلطان عمر را مستور گرداند
 و در نظر مردم الناس عزیز باشد بقراءت این آیات و اوست نماید و
 منشی اصل محمد مهدی مع کوبید که مرا اتمی بود و در پیش خلیفه مقرر بود و غار
 کردند و او مغرول شد و محبوس گردانید و بروی چشم گرفت بختی که دل برین
 نهاد این آیات را نوشته بنزد یک اوفستادم که بداد اوست قیام نماید
 چنین کرد شب بسم خلیفه او را در خواب سمناک دید خلاصش کرد و بجای
 عالی رسانید و چند منصب دیگرش داد و زندانیان را بطغیل او نجات داد و چون
 کسی خواهد که در نظر سلطان عزیز و مکرم باشد و مقبول القول شود بقراءت کریمه
 بداد اوست نماید طوک و انشرف و اکابر و بار طبع وی گرد و مرتبه اش بلند گردد
 و ترک اختلاطه جوش و طیور و مؤویات مطیع و متقاد او گردند و از مخلوقات
 هیچیک سر از فرمان او نتانند و خواست این آیات بسیار است اما بدین قدر
 اختصار افتاد تا قاری را اسکن بود و قیام بداد آیات این **بسم الله الرحمن الرحیم**
 الحمد لله تا آخر عبده و اذ قال ربک للملائکه انذرعن فی الارض خلقه قالوا انجیل فیها
 من نعبد و نسبحک الذکاء و نحن نسبح بحمدک و نقدر لک قال انذرعن ^{تفلسف} العلم ^{تفلسف} العلم
 و علم آدم الاسباء علمهم علی املاکته فقال انبیون باسما و هم لا و ان کنتم
 صادقین قالوا سبحانک لا علم لمن الا علمتنا انک انت العلیم حکیم
 و ملک حجبت آتینا عا ابراهیم علی قومیه ترفع در جانب من نشاء و ان ربک حکیم

عظیم لقد جاءكم رسول من انفسكم عزيز عليه ما عنتم حريص عليكم بالموافق
 رحيم فان تولو فقل حسبي الله لا اله الا هو عليه توكلت وهو رب العرش العظيم قال
 اكلت ائتوني به استخلفه لنفسه فلما طمأن الناس قال انك اليوم لدنيا كمين ابن فلان
 على خائن الارض اين حفيظ عليم وكذلك كنى ليويسف في الارض فيبور منها
 حيث يشاء نصيب رحمتنا من شاء ولا نضيع اجر المحسنين واذكر في
 الكتاب ادريس انه كان صديقاً نبياً ورفعه السماء علقياً اولئك الذين
 انعم الله عليهم من النبيين من ذرية آدم من حملنا مع نوح ومن ذرية ابراهيم واسحق
 ومن ذرية يعقوب اذ اتى على عليم آيات الرحمن خرو سجداً وبكياً باب سيم
 درك شمس کار وفتح رزق وفتوحات و تو انگری و دفع فقر و درویشی
 هر درویش حال و دست تنگ که بجال خود فرو مانده و مضطر گشته که باب
 و در قیام نماید و در مدت شصت روز عدد گیر او که بخواهد هفت هزار و پانصد
 و شصت و یکصد و شصت با تمام رسد هر روز چهار صد و چهل و دو نوشت بخواند
 ابواب فتوحات بروی کتاده شود و نهم متواتر بر سر سجده یکس مخرج
 نکرده و عدد وسط او یک مجلس شصت و شصت و شصت و شصت اگر این سه
 نشود بعد صغیر و رکعت هر روز پیش از آنکه سخن گوید بعد از نماز باید ادد و نوشت
 بخواند و اگر در بلاد خشک سال قحطی بود بخواند با کشته و یک کس باین در قیام
 نتواند نمود چنانکه کس بخواند در خیر و برکت بر آن ملک کتاده کرد و جمیع نعم

زیا و محو و در ویش حال که در آن دیا بود توانگر کرد و اگر در شب همه غده
چرا که چنانچه است و یکبار بخواند به نیت کشته و نخت بسته آن بخت بد و
چرا که بزرگ رسد و اگر بعد از نماز ختم این آیات را بر کافران و مشرکان
و با خود و او در آن دولت مستقیم ماند و هر روز سعادت او زیاده شود و اگر
روی درویشی نه بیند و نافع خلق کرده و خواص این آیات زیاده است اما بدین
قدر اختصار افتاد آیات این است بسم الله الرحمن الرحیم فاتحه الکتاب بعد
قال عیسی بن مریم اللهم ربنا انزل علينا مائدة من السماء کون لنا عیداً لا
واخواناً آیه منک و ارزقنا و انت خیر الرازقین و لقد کنا کم فی الارض و جعلنا
لکم فیها معاشی قلیلاً ما نشکرون و الارض مدناها و القینا فیها رؤساً و انزلنا
فیها من کل شیء ممزوجاً و جعلنا لکم فیها معاشی و من ستم له برزقین و ان
شیء الا عندنا خزائنه و ما ننزله الا بقدر معلوم الحمد لله الذی انزل علی عبده
الکتاب و لم یجعل له عوجاً قیماً لیبذر رأیاً شادیاً من لدنه و یشیر المؤمنین
الذین یعلمون الصالحات ان لهم اجر احسن ما کنت فیها ابداً اهل کل مترعب
فترعبون فاستعملون من اصحاب الصراط السوی و من اهتدی الم تر ان الله
انزل من السماء ماء فصبح الارض محضرة الا و ان الله لطیف خبیر ان الله
هو الرزاق ذو القوة المتین و من یبق البکر کل له مخراً و یرزقه من حیث یشاء
من یشاء کل علی التبه فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لكل شیء قدراً

لبنيق ذو سعة من سعة ومن قدر عليه رزقه فليبق مما آتاه الله لا يكلف نفس الا ما آتاه
 انما سيجعل الله بعد عسر يسرا ط ان الكتاب الا برافعي عليين والحمد لله
 ما علمون كتاب مرقوم بشهد المرقوم باب الحذر من در دفع امراض وبلوغ
 که در معالجه آن عاجز شده باشند اگر کسی مرض شده باشد چون لقوه فالج
 و خدام و برص و غیره بخود یا به خلیف و جمل المنین این اوراد کریمه زند و در مدت
 یکصد و بیست روز بعد و کسیر بخواند و عدد کسیر چهل هزار و یکصد و شصت و یکبار است
 و درین ایام هر روز سیصد و سی و نه بار سب و اگر این عدد نتواند که قیام بخواند
 بعد و سب در یک مجلس شصت و ده نوبت بخواند از امراض و برص و سخت باشد
 و اگر نتواند بعد و منفر هر روز بیست نوبت بخواند بخود کرد و اگر بعد خاتم هر روز چهار
 بخواند و شب و روز بخواند باشد و اگر یک مجلس نصاب کند و سیصد و چهل
 چهار نوبت بخواند و بنویسد و با خود دارد به مشک و زعفران و گاه گاه صاحب علت
 در دیگر دارد و بخواند دفع مرض و بخور به شود و دیگر جایز کرد و مستحسن است که شخصی از اکابر
 مریض بود و در آن مجلس بود و مضطرب گشته بود و هیچ صحت نیافت سبب حال جهان را
 حضرت رسالت بنا مسلم خواب دید گفت بار رسول الله از بیماری شکایت میکنم اما
 نماز برای نمیتوانم داشت از آن شکایت میکنم حضرت فرمود بخوان شش آیه سفا که
 در قرآنست چون از خواب بیدار شد و ختم قرآن ابتدا کرد و شش آیه جمع کرده و در
 خود سخت محنت یافت اوراد کریمه را در میان وضو و سنت نماز با صلوات خواند

غرض از این بود و بدوی اجابت نمود بسم الله الرحمن الرحيم فاتحه الكتاب بعد
 و الحمد لله هو مولیها فاستبقوا الخیرات اینها کنون آیات حکم الله جمیعاً ان الله
 علی کل شیء قدير و نیز هر کس علیهم و کیف و در قوم مؤمنین یا ایها الناس قد جاءکم
 من ربکم نوره و شفاعة لای فی الصدور و بدی و رحمة للمؤمنین و نخرج من بطوننا شریک
 مختلف الالبان فیہ شفاعة للناس ان فی مالک علی لایة لقوم یفکرون و تنزل من
 القرآن ما یوشعهم و رحمة للمؤمنین و لایزید الظالمین الا حسرا کفیض ذکر رحمة ربک
 عباده ذکر یا نادای ربنا ذر خفیا قال رب انما وهن العظم منی و اشتغل العرس
 و لم اکن بدعائک ربک مستقیماً و اذ امرت فموتیفین قل هو الذین آمنوا بدی و
 شفاعة و الذین لای یستنون فی اذانهم و قرو علیهم علی اولئک بنادون من مکان بعد
 باب بیستم در دفع حرج و ام العصبان و صرع و فتح و بسته و دفع چشم خرم خاص
 این آیات که میان سب که اگر کسی را گرفته باشد و بچوبه علاج نشود چون اذان به
 آید و تواند خواند باین در و صیام نماید و اگر نتواند خواند کسی با چوبه حلال اجاره گیرد تا بر آ
 وی بخواند و بدوی و دعوت یابد و اگر بخواند میسر نباشد بتوبه و بر سر هر روز
 شفا یابد و اگر کسی را سحر کرده باشند یا زحین و ارواح آسیب رسیده باشد
 بهین نوع عمل کند و مرض ام العصبان بر چوبه عود خواند و در زیر دامن کودک
 و دو کند و بر بالای زند و نوبه به شک و زعفران و بر سحر کرده بنجد و دفع شود و بدی
 این اوراد هشاد هزار سصد و چهل و نه بار سب در مدت ده شب روز یابد و شفا

هر روز سیصد و شصت پنج نوبت و در روز جمعه سیصد و شصت و شش بار
 و در کدو سه روزه آخر سیصد و هفتاد و یکبار بخواند هنوز با تمام نارسیدن آن حضرت
 است بده کند و دیگر سحر بر او کار کند و اگر چه بکیر خواند بعد و سبط یک مجلس غلغله کند
 و هشت بار بخواند و اگر این نیز میسر نشود هفتاد و شش بار یا هفتاد و شش بار روز چهار بار بخواند
 دفع مرض و علل و سحر و جمیع امراض کرد و بسم الله الرحمن الرحیم فاتحه الکتاب بعد یا یا
 الذین آمنوا صبروا و صابروا و رابطوا و اتوا الله لعلکم تفلحون و من یخرج من بیتة مهاجرة الى الله و یسلم
 ثم یدرک الموت فقد وقع اجره علی الله ربّه و ربکم ما من دابة الا ان یأخذ بها صیها ان ربی
 علی صراط مستقیم فان تولوا فقد ابلغکم ما ارسلت به الیکم و یخفف بے قوا غیرکم
 و لا تقر و نهشتیان ان رباً علی کل شیء حفیظ و قل یا اهل الحق و ذوق الباطل ان الباطل
 کان زهوقاً قالوا ربنا غلبت علینا ثقتونا و کنا قوما ضالین ربنا اخربنا منها فانها
 ظالمون قال احسنوا فیها و لا تعلمون انکم احب الناس ان یتروا ان یقولوا آمنوا و کم
 لا نعیتون و لقد فتنا الذین من قبلهم فلعین الله الذین صدقوا و لعین الکاذبین انهم
 حسب الذین یعینون البسیات ان یسبقونا ساءما یحکمون من کان یرجو الفیاء استند
 فان اجل احدکات و هو السبع العظیم لو اترکنا هذا القرآن علی جمیل رایته فاشق مقصداً
 من خشیة الله و ملک الامثال تقر بها الناس لعلکم تفکروا ان هو الله الذی لا اله الا هو
 الغیب و الشهادة هو الرحمن الرحیم هو الله الذی لا اله الا هو ملک العرش السلام
 المؤمن للمین الفوز اجماع الشکر سبی ان الله عاشر کون هو الله الحق الباری العظیم

لا اله الا الله محمد بن عبد الله
 سبح له ما في السموات والارض وهو العزيز الحكيم باب ششم در دفع
 دشمنان جلوه ان و مودبان و مقهور شدن اعدا و رام شدن مودبان برین نسبت
 هر چه بخواهند بعدد کبیر و آن دو هزار و سی و پنج و سه بار سب و تصدیق کند
 بآنکه انا اگر برین عدد بر جلوه ان خواند در مدت پنجاه روز این ختم را با تمام رساند
 و در هر جمعه چهل و پنج بار بخواند و اگر خواهد یک مجلس عدد وسط خواند که آن عید
 و سی و پنج بار سب عدد صغیر سبب بار و خاتم ده نوبت سب و خاتم خاتم کبار
 و هر عدد که باین اورد قیام نماید و دشمن مقهور گردد اما عدد کبیر و وسط که مذکور شد
 ده روز هر روز ده بار بر نسبت که خواند دشمن مقهور گردد و قاری مظهر آید و دیگر
 با وی دشمنی و عداوت نتواند کرد و محمد نبی رح که یزدانی در سفر جمعی حواریان مرا گفتند
 و هر چه از رخوت با من بود بزد و قصد قتل من کردند و مصحف حایل داشتیم خواستم
 که دو رکعت نماز گذارم اما از این آن مندم بودم نماز گذارم و کلام بکت آدمی
 درین آیت مندرج است برآمد ابتدای خواندن کردم جمعی حاضر گشتند براسپان
 ابلق برار و عامهای سپید بر سر نهاده و جامهای سبز در بر پوشیده و بر موضع آن
 زمین که سلم سبب ایشان رسید سبز گشته و آب روان سبز دانستم که این
 در ششکانه تنه های یک شنبه روان بختان را یکان یکان بملک کردند و مرا گفتند
 یا نبی چون در دست ظالمان گرفتاریدی یا تعبدی یا کسی در دست خصمی گرفتار شد
 (و این ورد بخواند برای غلبه دشمنان و خلاصی از جنگ عدد و نوزبان بد گویند)

دردی ازین آورد بهتر نیست و هم نمی گوید بار بجهت غمهای کلی و کلیه ای شکل
 کردم و زود بجانبت یا فتم که اگر خواهد از نظر دشمن غایب شود چون خشم از دلش برآید
 بیک جانب دود و این در و ابتدا کند و بخاطر و باز بخود دشمن او را نه بیند و از خود
 سست و از برای قهر اعدا شب سته شنبه در میان دو قبر کهنه رود و روی جانب جنوب
 پشت بجانب شمال این در را بعد ده تا نیم خواند البته خشم ناپود کرد و اگر لشکر بزرگ
 روی لشکر آورد و خواهند انجامی هر کشته و تمام خشم میسر شود و از چهار جانب قبر
 کهنه و چهار راه چهارصد سجده قدری خاک بردارند و این آیت را هفت بار بر آن
 خاک خوانند و بجانب لشکر یا باشند در وقت طلوع آفتاب البته منزه گردند
 بسم الله الرحمن الرحیم و اذا اخذنا ميثا قكم و رفعنا فوقكم الطور فخذوا ما آتيناكم بقوة
 و اسموها قالوا سمعنا و عصبنا و اشروا في قلوبهم العجل لعجل كفهم قل تسعوا يا اكرم
 اياكم ان كنتم مؤمنين آمن الرسول بما انزل اليه من ربه و المؤمنون كل آمن
 يا قعد و طاعتكم و كتمه و رسله بين احد من رسله و قالوا سمعنا و اطعنا
 غفر انك ربنا و اليك المصير لا يكلف احدك الا وسعها لها ما
 ربنا لا تؤخذ ان نسئ او احطنا ما ربنا ولا تحمل علينا افرأ كما حملته على الله
 من قبلنا رتبة ولا تحملنا ما لا طاقة لنا به و اعف عنا و اعف لنا و ارحمنا
 انت مولينا فاعف على القوم الكافرين و اعصوا بحبل الله جميعا و لا تفرقوا
 و اذكروا نعمته عليكم اذ كنتم اعداء فالف بين قلوبكم فاصبحتم بنوة واحدة

علی شفاکم من النار فانکم منها کذکب بینکم لکم عظم تندون قل اراکم ان افد
 ستمکم و اعطاکم و ختم علی قلوبکم من غیر الله یا تمکم بالنظر کیف تعرف الایات
 بعلمکم ثم یصدفون اذ استعینون بکم فاستجاب لکم انما مومکم من املاکة مردفین و
 یحطه الله الالبشری و تطمین بقلوبکم و ما النصر الا من عند الله ان الله عزیز حکیم و غنی
 الوجوه المخی القیوم و قد خاب من حل ظلم من یعمل من الصالحات و هو یؤثر فیها فی
 ظلم و لا یضام فحفت به و باره الارض فما کان له من فئته یضرونه من دون الله و کان
 من النضر بن جعدنا من بین یدیهم سدا و من خلفهم سدا فاغتنبنا بهم فیهم لایبھرون
 سلام قول من رب رجیم اقرب الی الله و انشق القمر و ان یروا یتعوضوا و
 یقولوا اخر ستم و کذبوا و اتبعوا اهل آسم کل امیر استقر و لقد جابهم من الانباء ما فیه من
 حکمة بالغة فاقضی الله ذنوبهم فمجدع الداع الی شئی فی رخصتها البصار هم یخرجون من ال
 کانهم جازئتم مطعین الی الداع یقول الکافرون هذا یوم غیر الذین یقولون فلیعلم قوم نوح
 لقد و اعبدنا و قالوا مجنون و ازوج فدعاه به الی مغلوب فانتصر ففتح ابواب السماء و بار
 منہم فوجرا الارض عینا فالتقی الآء علی امیر و قد رباب یغتم و ربین رغبت کذا و
 قرص و حفظ بدن و امین بودن از کتابت ابن آیات معظمه حتم حصول مراد و
 قرض و حفظ بدن و در آمدن اموال مداومت نماید در مدت کمید و پیشا در روز
 و هر روز سیصد و سی و سه بار و در جمیع اقصا و نود و نه بار و در روز جمعه و روز
 بخواند چنانچه در نیت هفتاد و یکبار و با قصد و نود و نه بار که عدد کبیر است یا تمام

6.

رساند بهر تنگی خواهد البته با تمام نارسیده مقصودش حاصل گردد اما تمام کند تا آنجا
 مراد بیند و اگر در گیرند بعد و سبب بخواند که با قصد و نه با رست صاحب فضل باشد که
 هرگز در پیش و در تنگ نشود و ادای قرض شود و سبب کار نکند و اگر چهل و یکبار
 که خود خاتم است و در کند از آفات و کلمات این باشد و صاحب و در و از
 با کمال ایمان بیرون رود و اگر بعد و منفرد که نه با رست بخواند ابواب رزق بر وی
 بگشاید و از موزبات امان یابد و اگر بعد از هر نزاری یکبار بخواند و ششاد شود و صاحب
 حاجتش روا شود و گناهانش عفو گردد و اگر کسی را کار فرو بسته باشد و قرض بر آورده
 و بکار خود فرو مانده و در امور دنیا سرگردان و سر رشته از دست داده باشد
 هر عدد که بخواند بودی شش آن شکسته و بر اسم علم کرد و از عدد هر عدد که خواند خواند با تمام
 تواند بست بخواند از فتح و ادای قرض و در آمدن اموال و محبت و دفع مفاسد
 متقاضی صدقه و حصول پیوند و بسم الله الرحمن الرحیم امن الرسول بما انزل الیه من ربه و
 المؤمنون کل امن بالله و لا یکنه و کتبه و رسله لا یفرق بین احد من رسله و قالوا
 سبحنا و اعطنا غفرانک ربنا و ایماک المصیر لا یتقوا الا وجهک
 ما کسبت و علیها ما اکتسبت ربنا لا تؤاخذنا ان نسینا او اخطانا ربنا و لا تحمل علینا
 اصر الحما حملته علی الذین من قبلنا ربنا و لا تحملنا ما لا طاقة لنا به و اعف عنا و اعف لنا
 و احسن انت مولینا فانظرنا علی القوم المکافین بسم الله الرحمن الرحیم آمین الله لا اله الا هو
 الا هو حی القيوم نزل علیک الكتاب بالحق مصدقا لما بین یدیه و انزل التوریه و الانجیل

من قبل يدعى الناس وانزل الفرقان ان الذين كفروا آيات الله ثم غدا ربهم
 والله عز وجل انتقام ربنا اننا سمعنا ندايا ينادى للبايعان ان لنمنوا برکم فامسنا
 ربنا فافعلنا ذنوبنا وكفرنا بسيئاتنا ووجعنا مع الابرار ربنا واتنا ما وعدنا على راسنا
 ولا تخزنا يوم القيمة انک لا تخلف الميعاد يا ايها الذين آمنوا اصبروا وابطلوا وعد الله لكم
 تقوى من محمد الذي خلق السموات والارض وجعل الظلمات والنور ثم الذين كفروا بهم
 بعد لون قالوا ربنا ظلمنا انفسنا وان لم تغفر لنا وترحمنا نكون من الخاسرين واذنوا
 اذ هب منضبا فطن ان لن نقدر عليه فتاوى في الظلمات ان لا اله الا انت سبحانک
 انی کنت من الظالمين فاستجبنا له ونجیناه من الغم وكذلك نبی المؤمنین (سبح الرحمن الرحیم)
 اذا جاء نصر الله والفتح تا آخر باب هشتم در دفع حرام خوردن وشمش وغمیبت وکذب
 ودر دفع شرب خمر و معاشش خلاف شرع اگر خواهی که خود را با تدارک این امور
 و در طاعت حریص کردی در مدت دو شصت روز هر روز دو شصت و پنجاه بار بخواند
 که عدد کبیر است و هر روز جمعه سیصد و چهل و شصت بار بخواند ابتدا از عدد دو
 کند و جمعه آخر کند چون عدد کبیر که بنجاه و دو هزار و هفتصد و پنجاه و یکینا بر مشهورین ایام
 بانجام رساند انواع صلاح و زوات خود موجود بیند و بطاعت رغبت نماید و اگر
 کسی سخت دل بود و نصیحت در وی اثر نکند و معصیت قبول نکند قدر آرزو
 در پیش سجاده خود نهاده در محلی که ختم تمام کند خمیر کند و نان ببرد و هر روز یکی از آن
 (و اگر از برای دیگری بخواند بخورد و وی بدو شش بند کبیر کرد و قاری این آیات را توبه و

و طاعت مقبول کرده و اگر این آیات به مشک و زعفران نبویسد و در خانه کمال نماز
 پنهان کند راغب نماز کرده و فسخ بر دل وی سر کرده و اگر بعد از گذشتن از خواندن این سوره
 که با قصد کسی و نجس است بخواند چهل روز و اگر این نیز میسر نشود بعد از هفتاد و سه روز هر
 شش نوبت بخواند و هفتادم پیچیده با رسته هر روز و در کسب راغب نماز کرده و خدا
 تعالی از برکت و ایت این آیات کریمه گناهان او را عفو کند و او را شایسته این است :
 بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ حُرِّمْتَ عَلَیْکُمُ الْمِیْتَةَ وَالْهَمَّ الْخَمِزُ وَ مَا اِجْلُ الْغَیْرِ اَقْدَبُ وَ الْمُنْفَقَةُ
 وَ الْمَوْفُودَةُ وَ الْمَشْرُوبَةُ وَ النِّطَیْخَةُ وَ مَا اَکَلَ السَّبْعُ اِلَّا مَا وَکَلْتُمْ وَ مَا وَجَّعَ عَلَی النَّصَبِ اَنْ یَّسْتَقِیْمُوا
 بِالْاِزْلَامِ وَ اَلَمْ یَفْشُ الْمَعُومُ سُبُحِ الدِّیْنِ کَفْرًا مِنْ وَکَلْتُمْ فَلَاحْشُ حَمَّ وَ خَشُونِ الْبَعْمِ اَحْلَتْ لَکُمْ
 وَ سَبَّحْتُمْ وَ اَتَمَمْتُمْ عَلَیْکُمْ نَفْسٍ وَ رَضِیْتُمْ لَکُمُ الْاِسْلَامَ وَ یَا اَیُّهَا الْمُؤْمِنُونَ الذِّیْنَ اَوْکَرْتُمْ
 وَ حَلَلْتُمْ قُلُوبُکُمْ وَ اَوَّاعِیْتُمْ عَلَیْهِمْ آیَاتِهِ زَاوَمْتُمْ اِجَانًا وَ عَلَی رِجْمٍ یُکَلِّفُونَ خَالَ رَبِّ اَسْنَه
 طَلَمْتُ نَفْسِی فَاغْفِرْ لِی فَنَفَرْتُ اَنْهُ هُوَ الْعَفْوُ الرَّحِیْمُ یَا نَبِیْ اَقِمِ الصَّلَاةَ وَ اْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ
 وَ اَنْهَ عَنِ الْمُنْکَرِ وَ اصْبِرْ عَلَی مَا اَصَابَکَ اِنَّ ذٰلَکَ لَمِنْ غَرَمِ الْاُمُورِ سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ
 رَحِیْمٍ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ وَ الْعَادِیَاتُ اِلَیْ اَخْرِ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ قُلْ عَوَّادُ اَعْدَی اِلَیْ
 بَابِ نَفْسَمِ در بیان اظهار دفا بین و حاد و حاضر کردن غایبان و کونجیکان چون کسی
 جائی مکان دیندار و یا تصور معادن نبویسد بر جائمه سفید روی یا طبق چینی سفید روی
 و بآب باران که دعا خوانده باشند بنویسد و چنانچه در دوران مقام میفتند و بعد از
 این آیات قیام نماید شصت و شش روز با هر روز چهار بار با قصد و نیت و سجده

ابتدا از در چهارشنبه کند تا ختم روز جمعه شود و از بعین تمام مانند آثار تمام از عالم غیب
 مکشوف شود و چون از بعین تمام شود در سبت و شنبه روزی که تواند خلوت اختیار
 نماید جمعی از ارواح در خواب یا در بیداری او را منمونه کنند و اگر کسی را بنده گرفته باشد یا مال غایب
 شده باشد یا خاوی فراموش باشد یا بن در قیام نماید و بنویسد و بر جای خواب
 بیاورد و روزی که بیدار شود پیشتر نتواند رفت و شیخ علی بهدانی در کتاب آثار الانوار عجایب
 خود آورده که اگر کسی طالب دعای باشد بنویسد آیه و جعلنا بینهم و بین قرأنا فیها
 ظاهراً و قدرنا فیها السیر سیر و فیها کیا و ایما اسنین و در پوست اسب که بر روی خمر در آید
 باشد بمقارنه سعد بن در برابر سینه در آورده و فرست تمام آفات متحول گشته در میان
 دوران خود التماس برسد و بهدافین و محاور مطلع گردد و از علوم غیبیه بهره مند گردد و بعد
 و سبط کعبه و کباب و صغیر آن پنجبار است هر عددی که خواهد بخواند بر او برسد و او را محوشت
 بسم الله الرحمن الرحیم ان الله یمرکم ان تؤدوا الامانات الی اهلها واذ حکمتم بین الناس ان
 تحکموا بالعدل ان الله یمطکم به ان العدکان سمیعاً بصیراً یردون ان یرجوا من الناس وایم
 بخارجین منها وایم عذاب متعیم و لواراد و خروج لا تعدوا له عدت و لکن کره الله ان یختم
 قلوبهم و قیل اقعدوا مع القاعدین و اما احب دار مکان اخلاصین شینین بنی اهدیتیه و کان تحت
 کثره لها و کان ابو یحیی صالحاً فاراد ربک ان یلغا اشد ما و استخفها کثره ما حتمه من ربک
 و ما فعلته و جعلنا بینهم و بین القوی القوی ما رکننا فیها قری ظاهراً و قدرنا فیها السیر سیر و
 فیها لیبائی و ایما اسنین و مرار که بختم رسد این اسم بخواند یا رحیم یا رحیم یا رحیم الرحمن یغفرک

یا غیبات استغیث یا و یا ب یا ر زاق تا بزودی بمقتضی برسد و در دولت
 بروی قاری کشفاده شود و عجب پیدا کند باب دهم در شرح شیخ خضر و ارواح و عدد و
 در ام کرد ایندن و در آن آورده چون کسی خواهد که ارواح جنیان را بروی آتش واقع شود
 باید که سه اربعین که یکصد و بیست روز است ترک حیوانی خوردن کند همه شیخ درین ایام
 صایم باشد و در اربعین اول هر روز سیصد و شصت و یک بار بخواند و در اربعین دوم هر روز
 چهارصد و نود و دو و نوبت بخواند و درین اربعین باید بخواند که مذکور خواهد شد و همه خوانند
 پس روز در اربعین سیم بخورد و هم سوره از ابتدا و اوقات تا اتمام بی بخور نباشند و بعد از
 ثانی خواند اما علامت آن است که در واقع مردم خوب صورت خوش قد و کمند خواهند بود
 و ارشادش خواهند کرد که چه کن بآن عمل نکند و همچنان بخواند و اگر او عدد علوم غریبه را
 دنیا کند زنی که قبول نکند و ترک توأه نکند و اسکان آندارد که در اربعین دوم این
 علامت در بیداری بیند و اگر در اربعین سیم شود قبول این عمل نکند مضطرب گردد
 و طبعش نوزد حاصل شود و در اجابت ارواح تخم جن به این عمل نیست و بی هم
 و به خطر است و سریع الاجابت آلت بخور مسنن و دوا لک و سوره و مندل و خود
 قاری و غیره شهب و کافور و مشک و زعفران مجروح با شیوه قد کشنده سازد و در سه روز
 آخر در مندل در آید و هر روز سیصد و سی بار بخواند و مندل بدین طریقی که نموده بیرون کشد
 در باغ یا حشر بیست و نه بار و زاری و در از مردم بگوید روی بقبله و در روی سجده نشیند
 و مجبور بر آید که خود نهد و در آخر ختم با تمام نارسا نبندد باشد که جمعی ظاهر کردند و با

بهجت کنند و طبع کردند و خاتم بوی دهند و به مراد برسد و چون خواهد که از منزل بیرون
 بیرون آید و رکعت نماز بگذارد و در هر رکعتی فاتحه الکتاب یکبار و نیت آید که
 تا بهم فیما خال دون بخواند و چون بیرون آید شیری تصدق کند تا دوستی جاوید باشد و بعد
 اذان منزل دایم بخورد و روزی اگر تخم و غیره بخورد هر روز این او دارد و نیت در رکعت
 و هرگاه که او را کار کلی یا همی بزرگ پیش آید در یک هفته یا نصف و هشتم و یکبار بخواند هر روز
 آنچه تواند باید که در اسبوع این عدد بخواند و بخورد و روز و اذان حاجت او و طلبه و دگرگی باید
 جمیع امور این چنین است و خط را در و جزوی و کلی و غایت مجرب است و صورت منزل این
 در نسخه صورت منزل کشیده محل بر اجمال کند بسم الله الرحمن الرحیم ان رکیم الله الذی
 خلق السموات و الارض فی سته ایام ثم استوی علی العرش یغشی اللیل النهار بطیبه
 و الشمس و القمر و النجوم استواث باهره الارض خلق و الارض بارک الله رب العالمین **الحکم**
 و الصفات صفاً فالاجزای زجر خالیه لیاات ذکر ان الحکم لواحده رب السموات
 الارض و ما بینهما و رب المشرقین و المربین السما و الدنیا برقیه الکواکب و خطا من کل
 شیطان ماد و لا یسمعون الی الله الا علی و یقذفون من کل جانب دجراً و لهم عذاب
 و اصیب الامن خطیف الخلقه فاجعه شهاب ثاقب فاستفتیم ابراهیم خلقنا من
 خلقنا انا خلقنا هم من طین لازب یا قومنا اعبود اعی الله و امنوا بنفوسکم من ذنوبکم
 و یخرجکم من عذاب ففتح ابواب السماء و جاورهم و فجرنا الارض عیناً فالتقی اماء علی ابر
 قد قدر یا حسرت ابنی و لا تنس ان استغفر من تقصیر من اقطار السموات و الارض فاعفوا

لا تفتنون الاسباطين بسم الله الرحمن الرحيم قل اوحى الي اني استمع نقر من اجن نقار
 انما سمعنا قرانا عجبا يهدي الى الرشاد فامنا به ولن نشرك بربنا احدا وانه تعالى
 جدر بنا ما اتخذ صاحبه ولا ولدا وانه كان يقول سفيها على الله شططا راسع الرحمن
 اذا جاءه نقره وفتح ورايت الناس يدخلون في دين الله افواجا فبسم محمد ربك
 ما استغفروا انه كان نوابيا ربهم ورحمت والفت ميان طالب ورمطوب
 وارواح وخدام اين آيات كبره و آيات محبت كويند در مدت كيهده و سبت روز
 پنجه در روز سهصد و چهل و شست نوبت بخواند و انبذ از روز پنشنده كند تا جمعه
 بانام رسند و در يك مجلس بخواند و روى بجاى خاتمه مطلوب كند و در وقت
 خواندن غنچه سنبيل و حسندل سوزد مبادا ايتان بيش از آنكه ختم بانام رسد
 الفت محبت واقع شود چنانچه ناز و نرمك قطع نشود و طالب را از مطلوب فايده
 رسد و اگر بدين عدد سيزه نرود كه عدد كيريهت در شست روز عدد و سبط كه در شست
 و هفتاد و شست بار سب بجاى آورد و خاتم خانم كه چهل و شست نوبت است و در
 بايد كرد و عدد صغير اين او را در چهار نوبت سب بنام هر كه بخواند الفت بينما واقع شود
 و اگر اين آيات را بر شكوه خواند و بركس و بد محب او كرد و اگر شجره قلوب علامه اتم
 كند بدين او را و كند و در بايد كرد و بهر عدد كه تواند با هم بخواند تا شجره عوام شود و اگر خوب و باخو
 دارد اثر عظيم دارد و بايد كه معطر دارد و باك و غزير يا خواص بسيار بيند و آيات اين است
 بسم الله الرحمن الرحيم زين الناس حب الشبهات من النساء والبنين والنفاء طير

المقطرة من الذهب والفضة وشمس المسومة والاعظام وحرث ذلك متاع الجنة والديار
 والعهدة حسن انما قل ان كنتم تحبون الله فاتبعوني يحبسكم الله ويغفر لكم ذنوبكم والله
 غفور رحيم حالتم اولاً بجهنم ولا يحسبونكم ولا يحسبون بالكتاب كله فيما حثه من الله لست
 لهم ولا كنت قطا غلب الغلب لا يفضوا من حولك فاعف عنهم واستغفر لهم ذنوبهم
 في الله اذا غفرت فتوكل على الله ان الله يحب المتوكلين يحسبونكم كحب الله والذين آمنوا
 استجابوا لنداء الله ولقائه ان الله يقوم بهم ويحبونه اوله على المؤمنين اعزة على الكافرين بحالهم
 في سبيل الله ولا يخافون لومة لائم ذلك فضل الله يؤتيه من يشاء والله واسع عليم
 هو الله ايكم يفره بالمؤمنين والغب بين قلوبهم لكن الله الغيب بينهم انه عز وجل حكيم
 لقد جاءكم رسول من انفسكم عزيز عليه ما عنتم حريص عليكم بالمؤمنين رؤوف رحيم الفيت
 عليك محبة مني ولتصنع على عيني وعنفت الوجوه للي القوم وقطاب من حل ظلاله
 هو عيسى وعيسى هو الغفور الودود ذو العرش المجيد فعال لا يريد بل انك حديث الامور
 وان حب انفسك باب دوازم در میان او را متفرقه بهر نیت و مقصود و حاجت

که عدد دارند و بعضی شده قیام نمایند از برای عزت و حرمت و تقرب سلطانین
 بیک مجلس که هزار و پستاده و دو بار بخواند عنقریب میراد برسد و اگر در کند بر زبان
 نکر و دوا بدین است و الکلم الله واحد الله هو الرحمن الرحیم خواص او دره کردن عدد و دوا
 فرض و شفای بیماران و حصول برکات و حوائج کلی و طلب ثوابی است بهر اراده
 و سی و سه بار بخواند این است و اگر تواند یک مجلس بخواند آیه این صفت فالدخیر حافظاً

اللهم اعز

و کبریا هم اراجمین خواص برای حصول جویای و هلاک دشمن و دفع خوف و عقوبت
 چنانچه همان هزار و یکبار بخواند این سبب است تا سخن نزله الذکر و اناله لحاظ فطون خواص از راه
 حصول الفت و لغا و وسعت رزق و طلب جاه و منصب و بزرگی و محبت سلاطین
 و عقوبت ان اعدا و دوزخ و روز جزا و کبریا بخواند لهذا این سبب الطیف معباده
 بر رقی من یث و هم القوی العزیز خواص و بزرگ این آیه هفت خاصیت دارد اول جاه
 دوم عقوبت ان سبب رفعت چهارم قبول عام بسم استجابه دعا ششم استکبار
 هفتم دوستی غلابی این اورد بخواند بعد و کبریا که آن سه هزار و سیصد و سی بار است و در
 شصت و شصت و شش بار و صغیر شصت و شش بار اورد این سبب است
 و القرآن ذی الذکر رقی و القرآن المجید و النعم و ما یسطرون خواص که این اورد هفت
 خاصیت دارد اول عزت دوم رفعت سیم فراخی روزی چهارم شصت پنجم
 محبت ششم عزت هفتم قدرت و در کبریا شصت و چهار عدد و در سبب چهل و شصت
 و صغیر شصت عدد و سبب آیه این سبب است سبب استدلال آله الهی علیه توکل و
 مورد العرش العظیم و بزرگست مقام کلی دوازده هزار بار یک مجلس بخواند بعد از
 هفته مقصود بر آید و این سبب است بحسب المصنوع اذ ادعاه و بزرگ برای کفایت تمام
 و بر آید حاجات و دفع خصمان این کلمه را نهصد و هفتاد و پنج بار بخواند که بعضی و اگر نود
 کلمه محقق بدو هم کند و هر دو کلمه را دوازده هزار و پنج بار یک مجلس بخواند مراد بروری بر آید
 البته خواص دیگر چند فراخی روزی و استجابت دعا و نزدیکی بالیه تعالی و بر آید حاجات

بی خودی من بود و این آیه خفیم نماید و بعد از آنکه از پیش از آنکه سخن گوید
 بهفت بار بخواند آیه این است و اذا استسک عبادی عني فاني قريب اجيب دعوة الداع
 اذا دعان فليست بعبث و الله اعلم بما يعلمون خواص دیگر جمله ای فرض و بآدن
 مراد است کلی و جزوی و خلاص از حبس و دفع خون و اندوه و این آیه کریمه بعد از آنکه
 روزگرت بخواند و اگر زیاده خواند و لا بد الا انت سبحانک انک کنت من العالمین
 خواص برای ظهور کم شده و زود به و کریمه و آدن غایبان و اظهار خصمان و امثال این
 مجلس و ثبت و کبار بخواند ظاهر شود و در خواب یا بیداری بوی نمایند و از حقیت آن
 کارش اخبار نمایند و آرموده و موجب است و آیه این است الم تعلم ان الله يعلم ما فی السما
 و الارض ان فی ذلك علی العبد سیر خود از برای کفایت مهات و سیر علی آمدن
 و بار آمدن از غربت بوطن و حصول مرادات جزوی و کلی و رسیدن بمطلوبات
 خویش و دفع دشمنان قوی و خصمان بزرگ و نصرة برای این کلمات را در منزلت و رسیدن
 سی و هفت بار بخواند و این شش آیه قرآن است و کفی یا قیوم و کفی یا حمید و کفی یا
 حلیم و کفی یا مدد و کفی یا مدد و کفی یا مدد و کفی یا مدد و کفی یا مدد و کفی یا مدد و کفی یا مدد
 صلی الله علیه و آله که هر که این کلمات را در عمر خود کبار بخواند از بیهوشی و غالی فرماید
 اعتبار بهر ملک را تا از برای او آمدن و خواست را و زقیامت و کبر برای مهات
 و حاجات کلی و جزوی و وصحت و رفیق و در رانی عمر و دفع خوف و خفتن با اهلان
 کامل از بن عالم بدر و در خواندن این کلمات مداومت نماید و کلمات این است

خیر الله محمد اعنا ما هو اعلم و مستحقه داعی میباشد که بعضی از شرایط دعا و آداب دعا
 اقدام نمایند تا به خشک به مقصود برسند و چون بدعوت مشغول شود باید که روی بجنبه
 بدو را تو با وضو و وضبان دعا سخن گوید و از نمازی توبه کند و از سر اخلاص و رغبت مشغول گردد
 و دل حاضر دارد و الحاح بسیار کند و دعا و محال نظمید و بپنج بابت سخن نماید و اندک کردن طول
 نشود و در ماکول و طبروس خطه کند که حرام نباشد و در اول و آخر بر خدای ثنا گوید و در اول و آخر
 بر حضرت رسالت بنام صلوات فرستد که از حضرت ابراهیم بن عمر رواست
 که عمار در میان آسمان و زمین معصیت تا از غضب او صلوات فرستند هدف اجابت
 نمیرسد قال رسول الله صلوات من علی علی مرتبه صلی الله علیه و آله عشره مرتبه هر که یکبار برین صلوات
 فرستد خداوند تعالی ده بار بر وی صلوات فرستد و هر که صد مرتبه فرستد بر کمال تقوی و مودود اندک هیچ صلواتی کمتر
 ازین صلوات نیست اللهم صل علی محمد و آل محمد و علی کل طاهر و طاهر و بابرک و سلم
 شرح و کتابتین بها و الله اعلم هر کس هفت روز هر روز تسبیح کریم یا سین بخواند و ثواب آن را
 بر وجه این هفت سلطان برساند و گوید که در وجه این هفت سلطان را شفیع آورم
 اول سلطان ابوسعید بن علی ابن موسی الرضا و دوم سلطان ابراهیم او حم سید سلطان
 یازید بسطامی چهارم سلطان ابوسعید ابوالخیر پنجم سلطان محمود غزنوی ششم سلطان
 غیاث الدین محمد غفر سلطان سنجو مایه حاجات برآورده شد حاجت حضرت ابراهیم بن عمر
 سیم الله الرحمن الرحیم ای خدای که ترا زوال نیست ای ملکی که ملک ترا انتحالیست
 ای بادشاهی که ترا شرک نیست ای کبری که ترا نخل نیست ای حلیمی که در حق تو

بندگان تراشتاب نیست: ای حکیمی که در حکمت تو ریب نیست: و در پاکیزگی
عیب نیست: و در زندگی تو نقصان نیست: و در قدرت تو طغیان نیست:
ای عزیز و اجدال: و ذوالفضل و الکمال: ای بچون و بچگونه: ای به شبه و نمونه: و فرد
به شما خداوند: ای افضل به فضول: ای عادل به عدل: ای قاضی فی غزل:
و ای قایم به نزل: ای نافه به نافه: ای بصیر به باصره: ای دانی به نمون: ای توانا
به طراز: ای قاهر به کشیز: ای جبار به عدیل: ای قهار به بدیل: ای بادشاه به وزیر
ای لطیف و عظیم و خیر: یا من لا اله الا انت: و تعزیر حاجات: و کثیر و انت بنا به بر
ای واحد به دو: و ای حسید به عدد: ای اول به بایت: ای آخر به نهایت: ای که
ظاهر به صورت: ای باطن به صورت: به ضرورت: ای حی به حیل: ای عظیم به عظمت
ای عزیز به دولت: ای غنی به قلت: ای سمیع به عدت: ای صانع به آلت: ای بینا به
به حلقه: ای علی به عکرت: ای کتب بنده به منت: ای عالم به قلندر: ای قیام به تنزیر
ای جبار به خیر: ای قهار به نمر: ای مقدری که تیر تقدیر به هیچ نه بر سر: دفع نکرده: ای مدبر که
رقم تیر به هیچ آید: نکرده: ای موجود بی علت: ای معبود بی علت: موجود که کم نکرده
معبود که کم نکرده: جی که تیری قیومی نکرده: سلطان که از سلطنت معزول نکرده: ملکی که
از مملکت معزول نکرده: بخشنده که هرگز نخل نکرده: بسی که هرگز معزول نکرده: ای بادشاه
که ماه جهان تو خوف نبرد: ای که خورشید عیون تو کوف نبرد: سهام او عالم باطن
حکمت تو رسد: و هم بلند و در مدارج معرفت بالا بنهند: فتم تیر کلام در میدان خدا تو

کسب الی بحیرت سالکان و سالکان خدمت نوا الی بحیرت سوزندگان آنست
 الی بحیرت رعد و آذگان محنت نوا الی بحیرت مشتاقان و مشتاقان الی بحیرت
 ششکان غریب لطف و نای و دانه ضایع وای میزند سرایر اسی و ششکان
 وای دلیل بر کشته ای نام تو نور چشم بران ای باد تو شقای جان علیان آگاه
 و سندان کنگاران ای و ششکان کوناران ای ستار تپکاران ای کریم
 بر پریشان ای جیم بر پشیمان ای مونس پرغان ای صوم در و مندان ای
 در مان در مانگان ای مجیب خوانندگان ای و ششکان بیکان ای مطلوب جان
 مشتاقان ای محبوب سربلغان ای جاده درویشان ای بنیاد بی حیا
 ای بایه مغفان ای غریب مخلصان ای معین مخلصان بیکان ای دلیل و ششکان
 ای ظهور آموزندگان ای خالق بندگان ای کارکنای شفقان ای رانهای تجر
 ای محمود جانوران ای محبوب ناموران ای خدام بنده بیکاران ای محبت ده
 بیاران ای بصیرت بینندگان ای سیم کوبندگان الی بحیرت نومیدی مجروران
 الی بحیرت نور دیده به روزان الی بحیرت غم دل نومیدی بدروزان ای بخشنده
 بخش ایندگان آرزو بخش آرزو مندان بنو کنی فعل من نکو بر من بهرمان ترنوی
 زمین بر من ای مجیب مضطربان ای کس سبک نای جاده بیکان ای خدا
 زمین و آسمان یا عالم کل نبی یا صد یار حسن یا رحیم یا رب العالمین یا حی یا قیوم
 یا د و بجلال و الاکرام و عنایت و رحمت و محبت و عفو و غفران ای دانه نامها وای شکنده

کاهنای درنده و امیرای علم بر عالمانای سزنده کارهای بصیرت احوال
 ای آسان کننده و شیواریهای سمیع اقوال اهای بنینده نیازهای شنونده آواز
 ای دانه دراز ای بخشنده نعمتها ای بخش بنده در محنتها یا لجا بر الفعفا و یا موس
 یا نصیر الفقرا یا زبیر از غوائی ای سرور از علایق ای مطلع بر فایق ای بی نیاز از خلایق
 منفصلی که با فضل کس ترا حاجت نیست ای عاملی که در عدل تو کس را حجت نیست
 ای مبری که انعام ترا نسبت نیست ای مستقی که انتقام ترا بدایت نیست ای جبار
 که کس را با نوظافت مفادست نیست ای قهاری که کس را با توحیلست نیست
 ای خداوندی که کردن کردن او نیکو از کمند تو گزین نیست ای پادشاهی که با پای
 آور از اربلای تو گزین نیست اله نوئی یارب جبار تو یارب خلعان به خفته اند
 بیدار توئی یارب اله نوئی یارب اله همه عالم بر جمیع بنی آدم باحوال دل پر غم و اندوه
 بر غم مسکین دل با در غم بی بینی و میداند الهی بحسب اعفا را نبی بودگاه نو الهی بحسب
 اولیا و گاه تو الهی بحسب عابدان اسما ز الهی بحسب زابدان با سر از الهی بحسب علما
 با تو از الهی بحسب عارفان و موجدان تو بنده تو اتم اقتاده ام بکرم و استکبر ای خدای که با
 بنده کمال بدستیر نفوذ نیست ای پادشاهی که دل محبان صدف در توحید نیست اله
 اگر بسنجی طاعت تو اتم و اگر بسپری حجت تو اتم و اگر بسوزی طاعت تو اتم الهی
 چنانکه داند عاظم جنین که بی بینی از من خطا کردن و تشبیدن و از تو حمت کردن و
 مستخف شدن و تشبیدن از من خطا و دولت است از تو همه خطا و حمت است

از هیچ بر خط و عصیان نیست از تو هم عطا و احسان است ای قدیم لم یزل ای عزیز
 ای باو شانه لایزال ای خداوند و مجلان بحسب آنکه ترا غم نیست هر چه از تو خواهم ترا کم
 نیست ابدار و پیران در محار و اقبال بقبول کن ای پاک از گفتگوی زوای مطلوب
 جستجوی ای خداوندی که دور اندن قضا فردی نیازی و در و ادن عطا جود و
 بلا نیازی هر چه ازین بنده عامی رجاء دیدی در عمر و کرداری و مهمات دینی و دنیا
 ما را براری بخیر حق محمد و الهی بحسب جود و جلال تو الهی بحسب کم و افضال تو الهی
 بحسب آلاء و نعمات تو الهی بحسب ملک و منتهای تو الهی بحسب برکت و انعام تو الهی
 بحسب اسما و حسنات تو الهی بحسب رسل و انبیاء تو الهی بحسب عظمت و جبروت تو
 الهی بحسب طاقت و ملکوت تو الهی بحسب منور و معجزات تو الهی بحسب محف و جود تو
 الهی بحسب محف و عظم تو الهی بحسب نورانی و زبور و قرآن تو الهی بحسب جود و محف که معلوم
 قدیم تو الهی یا برای مطلق تو الهی بحسب نهیهای محقق تو که هر چه در عمر ازین بجا رده دیدی
 و نه پسندیدی بفضل و کرم خود و کردار و ما در و پدر ما را بیامرزی و هر رنج که در حق ما کرده
 و مشکبک است آن کردار و محبت آن بدعا از کردن ما ساقط گرداند و تاملت خوشان
 و اقرار با جمیع مؤمنین و مؤمنات را بیامرزی و بر همه مسلمانان رحمت کنی و امانت
 را در خسته گرداند و اولادین و بنات را بنیات حیات پرورده گرداند و علم و قرآن را در
 کنی و استخوان ما را بیامرزی و بر همه مؤمنین و مؤمنات و مسلمین و مسلمات
 رحمت کنی و رفیکان خاکسار را بیامرزی و غایب از ابدون ما را در دست پیارا

بیمار از شفا دهنی محبوبان را خلاص دهنی زبان بد کو با نرا بسته دار و دشمنان را
 دور دگر دست طالانرا کوتاه کرد انچه بحق محمد و آله الهی بخدمت نیاز آدم صلی
 الهی بخدمت نیاز شریف پیغمبر الهی بخدمت هابیل پیغمبر الهی بخدمت نیاز صالح
 الهی بخدمت نیاز لوط پیغمبر الهی بخدمت نیاز شعیب پیغمبر الهی بخدمت نیاز زکریا
 الهی بخدمت نیاز ابراهیم پیغمبر الهی بخدمت نیاز اسمعیل پیغمبر الهی بخدمت نیاز اسحق
 الهی بخدمت نیاز یعقوب پیغمبر الهی بخدمت نیاز یوسف پیغمبر الهی بخدمت نیاز موسی
 الهی بخدمت نیاز عیسی پیغمبر الهی بخدمت نیاز داود پیغمبر الهی بخدمت نیاز داود
 پیغمبر الهی بخدمت نیاز الیاس پیغمبر الهی بخدمت نیاز زکریا پیغمبر الهی بخدمت نیاز
 ایوب پیغمبر الهی بخدمت نیاز یحیی پیغمبر الهی بخدمت نیاز ذوالکفل پیغمبر الهی بخدمت
 نیاز خضر پیغمبر الهی بخدمت نیاز عزیز پیغمبر الهی بخدمت نیاز یونس پیغمبر الهی بخدمت
 نیاز اسماعیل پیغمبر الهی بخدمت نیاز جبرئیل پیغمبر الهی بخدمت نیاز ذوالنون پیغمبر الهی بخدمت
 نیاز سلیمان پیغمبر الهی بخدمت نیاز ادریس پیغمبر الهی بخدمت نیاز یونس پیغمبر الهی بخدمت
 نیاز حمزه بیت و نه هزار نقطه نبوت الهی بخدمت نیاز محمد المصطفی الهی بخدمت نیاز
 علی المرتضی الهی بخدمت نیاز جبرئیل الهی بخدمت نیاز میکائیل الهی بخدمت نیاز اسرافیل
 الهی بخدمت نیاز عزرائیل الهی بخدمت نیاز زور و ایل الهی بخدمت نیاز زکریا الهی بخدمت
 نیاز رضوان الهی بخدمت نیاز مالک الهی بخدمت نیاز حقه العرش الهی بخدمت نیاز یحیی
 الهی بخدمت نیاز روحانین الهی بخدمت نیاز محمد و محمد علی و محمد علی علیه السلام الهی بخدمت نیاز امام

اللهم نیاز

الحی بحسب نیاز امام حسین علی الهی بحسب نیاز امام زین العابدین الهی بحسب نیاز
العلم محمد باقر الهی بحسب نیاز امام جعفر صادق الهی بحسب نیاز امام موسی کاظم
الحی بحسب نیاز امام علی ابن موسی الفضل الهی بحسب نیاز امام علی النقی الهی بحسب
نیاز امام حسن العسکری الهی بحسب نیاز امام محمد مهدی آخر الزمان صلوات الله علیه و
علیهم اجمعین الهی بحسب نیاز محمّد مصطفی الهی بحسب نیاز عبدالعزیز عبدالرحمن
الهی بحسب نیاز عبدالعزیز بن عبدالمعز الهی بحسب نیاز النبی المکی الهی بحسب نیاز
الهی بحسب نیاز ابوذر غفاری الهی بحسب نیاز ابو یوسف الفاری الهی بحسب نیاز
معاذ جبل الهی بحسب نیاز ابو دود الهی بحسب نیاز سلمان فارسی الهی بحسب
نیاز اوس بن قریظ الهی بحسب نیاز ابراهیم اوحم الهی بحسب نیاز محمّد بن ابی طالب
نیاز یزدکان خاتم الهی بحسب نیاز سالکان راه تو که برین پیاده ضعیف کنی و جمیع
مومنین و مومنات و مسلمین و مسلمات را بیاورد و مقصود است همه را بر آدم
کجی خیر گرداند یا ای العالمین و یا خیر الناصرین و یا علی سیدنا محمد و آله اجمعین
اطلبوا من الطیبین و سلم تسلیما کثیرا کثیرا تسبیح و تحمید و ثناء و تعظیم و ترقی و ترقی
حضرت علی الهی بحسب نیاز و آله و سلم در سبوح و شست و بود با اصحاب که خیرین امین
از حضرت عتبت جل و علا در رسید و گفت یا محمد خدای تبارک و تعالی ترا سلام
میرساند و هدیه بر تو فرستاده که هر پنج منبر تو نبستهاده و آن را دعای قروح نام است
و گفت یا محمد که این دعا بخواند و هر روز از پنجاه تا شصت بار بخواند و از خدا بخواهد

و هر بنده که این دعا را بخواند یا خوانده باشد روز قیامت چون از قبر برآورد و بختاورد
 هزار فرشته سبزه انگبین آید و بدست هر یک طبعی از نور و جلوه از کافور
 بر طبق شماره یا جامی از شراب طهور بر دست و گفت یا محمد این دعا در میان
 آسمان و زمین ایستاده بود تا روزی که آدم ^{علیه السلام} از بهشت بیرون افتاد و در دو
 سال در عالم میگشت و زیارتها میکرد تا از حضرت عزت در رسید
 جبرئیل علیه السلام که بر او آدم را گوی که اگر دوست نرشد سال در عالم زیارتها
 کوئی چیز بود که تا تو را قانع بکن شیخ باور که آدم گفت خدا یا بحرمت دعای قانع که نویسد
 من قبول کن نه فر تمام گفته بود که نویسد او قبول شد و هر غیر را که مسمی و نوار بپوش آید و با
 شیخ می آورد آن سهم را پیش آن آسان بشود و گفت یا محمد توبه جلد انبیا بر گزری و زینها
 که این دعا را بخواند و با نازل نماید که بقوت این دعا کائنات بسیار کند و جدا
 تعالی فرمود که از لطف او که خود شرم دارم بنده که این دعا خوانده باشد یا خود داشته
 باشد او را عذاب کم چون حضرت جبرئیل شرح این دعا گفت حضرت رسول صلعم
 فرمودند که این دعا را بخواند و با طهارت باشدیم آن بود که آنش و روی افشند
 و هر که این دعا را پس بگوید غفران بخوبی بر طرفه چینی و بشود و در شیشه کند و سر
 محکم از نو بر کرد و سر و شقیقه یا با سوراخ بر روی دیکه داشته باشد از آن آب در رو
 مالیده شود بحدوث اعتدال و اگر در کوش که چکانند شنوا شود و اگر زنده و نوار با جمل بند
 از آن آب اندکی با و در دست بخورد و اندکی در شکم او باند و در جمل با جمل بند و اگر کسی

حاجت فرزند داشته باشد این دعا را پیش خود نهد و بگوید خدا یا پدر فرزند صالح
 گرامت کن بیشک خدای تبارک و تعالی او را فرزند گرامت فرماید و اگر گشتی
 گرفتار شود این دعا را بخواند و بخود برود از آن نعمت خلاص شود و دیگر هر چند بخواهد
 بیشتر خواند هر شش بیشتر باشد و میباید که با وضو باشد و در خوشنکاه باشد و در
 بصدق دل بخواند و در یک کاین دعا شک نیاورد که کافور کرد و شمع و خام بسیار
 آن مختصر کرده شد تا خواننده و نویسنده را اهل نیکواید و الله اعلم بالصواب
 بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله باسمه المبتدی رب الآخرة والاولی لا فائده له ولا منفی
 له فانی السموات و فانی الارض و طینتها و تحت الثری و ان تجهر بالقول فانه یسمع
 و اخفی الله لا اله الا هو لا اله الا هو لا اله الا هو لا اله الا هو لا اله الا هو لا اله الا هو
 قادر علی ما یشاء الرحمن عارف علی خلقه معارف لطیف عادل حکیم عالم فی عکس الارجم رحیم
 الرحمان بصیر البصیر عفو الغفر آو باعت الانبیاء صاحب الاسماء سمیع قادر علی
 ما یشاء سبحان الیک احمیدو فی العرش المجید فعال لما یرید رب الارباب و
 مسبب الاسباب سائق الاسباق و رازق الارزاق و خالق الاخلاق و قاهر
 المعذور و قاهر المقهور و عادل یوم الشور و جامع الناس لیسوم الواقعة غفور رحیم
 مشکو حکیم و محمد مدد الیک العظیم هو الاول و الآخر و الباطن و الظاهر و الدائم و الباقی
 الخلاق و البهائم صاحب العطا و مانع البلاء یغنی السقیم و یغنی عن غنی طین و یحب الصالحین
 و یحب المؤمنین و یرزق النادمین و یرزق النادمین و یزین فی یفین سبحانک لا اله الا انت الکریم

المعبود مظهر الخطايا وسائر العيوب شكوك حليم عالم في محدود محدود ومنبت الزهور
الاشجار ودر العليل والنهار فالحق المحبوب على عن خلق حاسم الارزاق عالم العيوب منيب
المعروف انت الذي سجد لك سواد الليل ونور النهار وشمس القمر وشمس الشمس خضيب
الشجر ودر الكواكب التي انت الذي سجد لك السماء والارض والنهر والبحر ومن
قبح التي انت الذي ليس كشكشي في الارض ولا في السماء وانت على ذلك
لست سجد لك التي انت الذي تعلم السجود في جوف القلوب التي انت الذي تقف
عن التي هي بعد ان تعرفت العبد في الذنوب التي انت الذي كل شيء خلقته بقدرتك
تعرفت اليك بالندوب يوم الثور التي انت الذي اغفر لي خطيئتي يا رب انت
الذي تقضي حاجتي كما قلت او عذرا سجد لك وانت بوعودك مصدق ونجني من الكرب
العزيز والغنى والدين والضعف والشدائد والمرض انت عياش كل كذب مظلوم
مفروب التي انت التي قلت لا تقنطوا من رحمتي وانت بوعودك صادق لست
بكذوب اخونتي من افاض الدنيا واسو العباد غدا والآخرة ولا تقضي يا
مولى راس الخلق في يوم الموعود اعدا كبرك كبرك كبرك ولا تترك ولا تترك ولا تترك
ولا تترك لا تترك في كبرك ولا تترك في كبرك ولا تترك في كبرك يا غفور
يا عزيز يا عزيز يا اعدا يا اعدا يا ارحم يا ارحم يا ارحم يا ارحم يا ارحم يا ارحم
في المنام يا رحمتك ارحمني بغير حق خطيئتي يا رب انك على كل شيء قدير ورازقي
حفظ العلم والقول وتخلصني مني ولا تكلني الى طرفة عين طرفة عين انك على كل شيء قدير

[illegible]

و مادر او را عاشق شده بود و زنی بسیار خرم و زده بود و در خانه بیست و شش افتاده بود و مادر
فرستاد یافت و در آنکه گفت و با او بیست و شش کرد و حاله شد و مادر خود را
مستعد شد و آن زن از شرم خلق بجانب که معطره رفت و حج کرد و آن دختر را بجانب
داد و مجاور پرسید که چرا دختر را بمن میدی آن زن گفت از برای آنکه بدین دختر را
که در یکست و آن برای آن بیست و یکم مجاور او را می پرورید تا که بزرگ شود و بعد از
چند سال پس از آن زن را اتفاق رخ نصیب شد و چون بیکه رفت آن مجاور او را
خواند و آن دختر را به دست آن دختر را بزرگ کرده داد و چون پس از آن زن را بخانه آورد
مادر چون آن دختر را دید بسیار خفت از پس پرسید که این دختر را از کجا آوردی پس گفت
این دختر از آنجا که در خانه که سر پرده بود مجاور او را پروریده به من تسلیم کردند و چون
بشناخت که همان دختر او است بر خود خیزید و بعد از چند روز از دنیا حلت نمود
پس بسیار تشکرت و او را بسیار و در آنجا که ایستاد بود و بسیار و مادر او را
داشت پس پرسید که گفت مرا معلوم نیست که مادر تو را عاشق شده بود و نزد
مست بود و رفت بافت و با تو معاشرت کرد و خاله شد و از آن محل فرست
مستود شد و چون بچ رفتند بود آن دختر را به مجاور می داد و بود آن دختر اکنون زن است
آن پس چون از فدا و مادر خبر یافت و در نیم شب گنگی پر داشت و بیوی فرماورد
تا مادر را از قبر بیرون کنند و بوزن او چون فریاد می کرد و شکایت می کرد و بیوی خوش بینند
مادر را دید و بخشنده نشسته پس پرسید که ای مادر تو کجا ای کرده و این که از کجا

بانی میگفت

یاجی ماور گفت ای پسر شکسته نیست که من گناه عظیم کرده ام با هر شب جمعه و شنبه
 این درود بخوانم و بخوانم و استغفار بگویم و هر چه در انشای این درود خوانده
 بودم و شنیده بودم معاینه آنرا دیدم و هر که این درود را بر جمیع فرستد از دنیا
 بیرون رود و افتد آرزید و از عذاب کور این شود و کرامت که مرا ظاهر شده
 از برکت این درود است اکنون تو هم بستان و بر شب جمعه و شنبه بخوان
 و استغفار خواه تا خدا بشکایت کنایان ترا بیاورد پس درود بستاند و کور در
 پوشانند و پیش علای شام و بعد از آن نیز مطالعه نمودند و هر کس
 نسخه برداشتند و هر که این درود را بسیار بخواند تن او در کور دریم نریزد و اگر حاجتی
 بایم عظیم پیش آید یا بیماری حادث شود بنوعیکه هیچ طیبی علاج نتواند کرد یا نورثه
 کم شده باشد یا عذاب درویشی گرفتار شده باشد چنانکه گفته شد بخواند
 خفتن دو رکعت نماز و این درود بخواند و یاد زیر بالین بندد از آنده ایمن کودک
 و خلاصی بآید هر چنانکه از خدا بخواهی بخواند و اگر درویشیت که این درود بخواند آید
 شود و این درود را عزیز باید داشت و در طاعت کوشید تا از غصبت دور باشد
 و درین درود مشک بسیار در که کافر گردد و شرح این درود بسیار است اما مختصر
 کرده شد تا خوانده و نویسنده را عذاب نکند و بدو صلوات کبیر بسیم الله الرحمن الرحیم
 اللهم صل علی محمد و آل محمد سید المرسلین اللهم صل علی محمد و آل محمد سید
 المرسلین اللهم صل علی محمد و آل محمد سید المرسلین اللهم صل علی محمد و آل محمد سید المرسلین

اللهم صل على محمد وآل محمد سيد الشاهدين اللهم صل على محمد وآل محمد سيد المرسلين اللهم
 صل على محمد سيد الثقاتين اللهم صل على محمد وآل محمد سيد اب جدين اللهم صل على محمد
 وآل محمد سيد الخافقين اللهم صل على محمد وآل محمد سيد الصادقين اللهم صل على محمد وآل محمد سيد
 الغائبين اللهم صل على محمد وآل محمد سيد الحياطين اللهم صل على محمد وآل محمد سيد الناجين
 اللهم صل على محمد وآل محمد سيد الخادعين اللهم صل على محمد وآل محمد سيد الواعظين اللهم صل على
 محمد وآل محمد سيد الراسخين اللهم صل على محمد وآل محمد سيد الفاضلين اللهم صل على محمد
 وآل محمد سيد الزايعين اللهم صل على محمد وآل محمد سيد الضائقين اللهم صل على محمد وآل محمد
 سيد العابدين اللهم صل على محمد وآل محمد سيد المحسنين اللهم صل على محمد وآل محمد
 سيد المطهرين اللهم صل على محمد وآل محمد سيد الصالحين اللهم صل على محمد وآل محمد
 سيد السالكين اللهم صل على محمد وآل محمد سيد الوارثين اللهم صل على محمد وآل محمد
 سيد الشافعين اللهم صل على محمد وآل محمد سيد المستفيعين اللهم صل على
 محمد وآل محمد سيد التوابين اللهم صل على محمد وآل محمد سيد المساكين
 اللهم صل على محمد وآل محمد سيد العالمين اللهم صل على محمد وآل محمد سيد المنزهين
 اللهم صل على محمد وآل محمد سيد المؤمنين اللهم صل على محمد وآل محمد سيد الاطمين اللهم
 صل على محمد وآل محمد سيد المطهرين اللهم صل على محمد وآل محمد سيد الاكرمين اللهم صل على
 محمد وآل محمد سيد الناجين اللهم صل على محمد وآل محمد سيد الاشجعين اللهم صل على محمد
 وآل محمد سيد المحبوبين اللهم صل على محمد وآل محمد سيد الاولين

اللهم صل على
 محمد وآل محمد

من اللهم صل على محمد وآل محمد سيد الآخزين اللهم صل على محمد وآل محمد سيد المخلوقين اللهم
 صل على محمد وآل محمد سيد ولد آدم اللهم صل على محمد وآل محمد سيد البشرين اللهم
 صل على محمد وآل محمد سيد أهل البيت اللهم صل على محمد سيد الأئمة العشرة اللهم صل على محمد
 وآل محمد سيد النبي المصطفى اللهم صل على محمد وآل محمد سيد النبي التمامي اللهم صل على محمد
 وآل محمد سيد النبي المجازي اللهم صل على محمد وآل محمد سيد النبي العرب اللهم صل على محمد وآل محمد
 سيد النبي الحزبي اللهم صل على محمد وآل محمد سيد النبي الأبيي اللهم صل على محمد وآل محمد سيد النبي
 اللهم صل على محمد وآل محمد سيد مع اليبالي إذا أصبح اللهم صل على محمد وآل محمد سيد مع الشمس
 إذا انقضت اللهم صل على محمد وآل محمد سيد مع الشمس إذا كورت اللهم صل على محمد وآل محمد
 سيد مع السماء إذا انقضت اللهم صل على محمد وآل محمد سيد مع الشمس إذا كسفت
 اللهم صل على محمد وآل محمد سيد مع البحار إذا فجرت اللهم صل على محمد وآل محمد مع الوحوش إذا
 حشرت اللهم صل على محمد وآل محمد مع القبور إذا بعثت اللهم صل على محمد وآل محمد
 مع الكتب إذا قرئت اللهم صل على محمد وآل محمد مع الحسنات إذا ظهرت اللهم صل
 على محمد وآل محمد مع الصبح إذا دبرت اللهم صل على محمد وآل محمد مع الحاجات إذا قضيت
 اللهم صل على محمد وآل محمد مع الدرجات إذا رفعت اللهم صل على محمد وآل محمد مع الليل إذا
 بغشى اللهم صل على محمد وآل محمد مع النهار إذا تجلى اللهم صل على محمد وآل محمد مع الكواكب
 العشرة اللهم صل على محمد وآل محمد مع من آمن بالله تعالى اللهم صل على محمد وآل محمد مع من صبح وصلى
 اللهم صل على محمد وآل محمد مع من صدق وأشهد لله اللهم صل على محمد وآل محمد مع من أعاد

اللهم صل على محمد وآل محمد بعد الأمطار و قسط أنهارها اللهم صل على محمد وآل محمد بعد
 الأشجار واوراقها اللهم صل على محمد وآل محمد بعد الرمل والشرى اللهم صل على محمد
 وآل محمد بعد النباتات الارض اللهم صل على محمد وآل محمد بعد الوحوش وطيورها
 اللهم صل على محمد وآل محمد بعد اجوت والانيسر اللهم صل على محمد وآل محمد بعد الانبياء
 وسما عاتهم اللهم صل على محمد وآل محمد بعد الملائكة ونسبهم اللهم صل على محمد وآل
 محمد بعد الاخيار ومنزلها اللهم صل على محمد وآل محمد بعد البراري ومنزلها اللهم صل على
 محمد وآل محمد بعد المشهور والايامها اللهم صل على محمد وآل محمد بعد من صلى عليه من خلقك
 اللهم صل على محمد وآل محمد بعد من يصل عليه اللهم صل على محمد وآل محمد بعد من خلقك
 اللهم صل على محمد وآل محمد بعد عفوكم على خلقك اللهم صل على محمد وآل محمد بعد غفواكم
 عن خلقك اللهم صل على محمد وآل محمد بعد افضالك على خلقك اللهم صل على محمد وآل محمد
 بعد ما مكنتك اللهم صل على محمد وآل محمد بعد جميع خلقك اللهم صل على محمد وآل محمد
 بعد برك وسلم اللهم صل على محمد وآل محمد برك ورحم محمد وآل محمد كما صلبت
 وباركت وترجمت على ابراهيم انك حميد مجيد اللهم تحي هذا الصلوة وحسب
 الصلوة ان تغفر لنا سيئاتنا برحمتك يا ارحم الراحمين

از حضرت امير المؤمنين ع نقلست كه هر كه اين صفت آيه را هر روز بخواند
 ترتيب و بر اطراف خود بداند جميع آفات و عبات و شرخ و انس محفوظ
 محرب است آيه اول بخواند و بر پيش پي خود انداختن پس بيمين الا ما كتب الله

لنا هو البنا وعلی اقتدی فلیکمل المؤمنون آیه دوم بخواند و بر پس پشت خود در آن
 بفرماید کاشف له الاله و ان یردک بخیر فلا راد لفضلہ بصیب به من است
 من عباده و هو الغفور الرحیم آیه سیم بخواند و بر بالای سر خود دو ما من و آیه الا علی العتر
 زرقا و جیم سقر و مستودعها کل فی کتاب بین آیه چهارم بخواند و بر این خود
 اند که کلمت علی اقتدی و در یک ما من و آیه الا هو اخذنا صیبتها ان ربی علی حراک فیم
 آیه پنجم بخواند و بر جانب راست خود دو کاف من و آیه لا تکل زرقا ابدا بزرگوار
 و ایاکم و هو السبع العظیم آیه ششم بخواند و بر جانب چپ خود دو یا فتیحه الحمد للک من
 رحمة فلا یسک لها و ما یسک فلا مرسل له من عبده و هو الغفور الرحیم آیه هفتم بخواند و بر
 شش جبهت خود دو ولین سالتهم من خلق السموات و الارض لیقولن الحمد قل
 اذا سئمت ما تدعون من دون الله و اراد الله یغفر لی من کاشفات ضرة او اراد
 بر جبهت من مسکات رحمة قل حسبی الله علیه تجوکل المستوکلون و آیه هشتم
 که در خواندن صبح و شام ثواب بسیار دارد و دعا این است اللهم ارحم
 اللهم انی اصبحت بنوفیقک اگر شب باشد بگوید اللهم انی استیت بنوفیقک
 و اشهدک و کفی بک شهیدا و اشهد انبیاءک و رسلک و اشهد ملائکتک
 للمقرین و جملته عرشک و سکان سبع سمواتک و ارضیک انما اشهد ان لا اله الا
 الله انت ربی و خالق و رزقی و مولائی و ربی و رب کل شیء و حدک و شرکبک
 تبارکت و تعالی و ما یقول المظالمون علوا کبریا و اشهد ان محمدا صلو اتمک علیه و آله

عبدك ورسولك وحبيبك ارسله بالهدى ودين الحق ليعطيه على الدين كله
 ولو كره المشركون واشهد ان الاسلام ديني والقرآن كتابي والكعبة قبلتي واشهد
 ان مولانا وسيدنا امير المؤمنين علي ابن ابي طالب عبدك ورسولك و
 وليك ووصي رسولك امامي واشهد ان الموت حق واشهد ان الحسن و
 الحسين علي ابن الحسين ومحمد ابن علي وجعفر ابن محمد وموسى ابن جعفر وعلي ابن موسى الرضا
 ومحمد بن علي وعلي بن محمد والحسن بن علي ومحمد بن الحسن صاحب الزمان صلواتك
 عليه وعليهم اجمعين ائمتي وسائر صلواتك وثناءك ائمة الهدى الابرار الاخيار بهم انولي ومن
 اعدائهم ائمة الردى والآخرة واشهد ان الموت حق والقبر حق وسؤال شكر وكبر
 القبر حق والبقيع حق والنور حق والجنة حق والنار حق والصراط حق واليزان حق
 وحساب حق والكتاب حق والثواب حق والظالم الكذب مبين وشهادة حق و
 الطلاق الجوارح حق وان الله فقه ائمة لا ريب فيها وان الله جنت من في القبور و
 على هذه احبوا واموتوا وابعثت بتوفيقك يا رب فصل علي محمد وآل محمد جنتك
 يا ارحم الراحمين فسبحان امدجين نسون وجين نصبون وله الحمد في السموات
 والارض وعشيتا وجين تظهرون يخرج الحق من المبيت ويخرج المبيت من
 الحق ويحي الارض بعد موتها وكذلك تخرجون برحمتك يا ارحم الراحمين ايها
 يا رب العالمين والصلوة على خير خلقه محمد وآله اجمعين الطاهرين الطاهرين فشا
 امد الحسن خالقين ٥ فوبز محرب حضرت رسول صلعم مروستنا از سجدتين الزفتج

اللهم
 العلي

من الغنى كونه اسطراب كن كعبه كفت كه مراد منى عظيم بود كه طبیبان از علاج آن عاجز شده بودند
 و پدر مرا نزد طبیبان شامی گفتند كه این مرض را بغیر از خدا كسی علاج نمیتواند كره ازین
 سخن غمناك شدم و كتابه از كتابهای پدرم را برداشتم كه خبری از آن مطالعهایم
 در پشت آن كتاب دیدم نوشته كه حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود است كه پیغمبر صلعم
 گفته كه هر كه را منی باشد بعد از نماز صبح چهل بار بگوید بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب
 العالمین حسبنا الله ونعم الوکیل و تبارك الله حسن الخلقین ولا حول ولا قوة الا بالله
 العلی العظیم و دست برضا كه زحمت بود بمالد صحت یابد و حضرت شفا بخش چون نماز
 صبح شد فریضه كندم و چهل نوبت این دعا را خواندم و دست بر آن محل كه زحمت بود
 مالیم خدا شتالی آن زحمت را از من رفع نمود و نیت بودم و دستم كه زحمت میباید
 باز كرده و نیت نمود بدین دستور عمل كردم زحمت باز نگردد و بعد از آن بدخود را خبر دادم
 و پدرم این قصه را بطیبی كه غیر ملت بود گفت چون طبیب نزد من آمد و مرا دید ای آن
 مسلمان شد و كمره كفت ه من هیچ الدعوات منقول است كه هر كه این ابیات تكبیرا
 كه منسوب بحفرت امیر المؤمنین علیه السلام است بازده نوبت بخواند بهی خدا تعالی برآورده
 كرده و كم سد من لطف خفی بدق خفاء عن فهم الزکی و كم لیرانه من بعد سیر
 و غیره كزنا لطف شتی او اضاقت بك الاحوال یوما فتن بالواحد الفرد العلی
 تو من بالینی فی كل خطیب یون اذا توسل بالینی و كم امیرت ربی صبا
 فتاتك المسرة بالعتی و لا تخج اذا اناب خطیب فكلمت من لطف خفی ه

نماز و شورا و آن چهار رکعت است بدو سلام و در رکعت اول فاتحه مکتوبت
 و قل یا ایها الکافرون مکتوبت و در رکعت دوم فاتحه مکتوبت و قل یا ایها الکافرون
 و در رکعت سیم فاتحه مکتوبت و سوره انزا مکتوبت و در رکعت چهارم فاتحه مکتوبت
 و سوره منافقین مکتوبت و بعد از نماز سلام زیارت امام حسین عم دین طریقی میکند
 السلام عليك یا وارث آدم صغی الله السلام عليك یا وارث نوح نخی الله السلام
 عليك یا وارث ابراهیم خلیل الله السلام عليك یا وارث موسی کلیم الله السلام عليك
 یا وارث عیسی روح الله السلام عليك یا وارث محمد سید رسل الله السلام عليك
 یا وارث علی ابن ابیطالب امیر المؤمنین و خیر الوصیین السلام عليك یا وارث اخی
 الحسن الزکی الطاهر المنزهی السلام عليك یا ایها الوصی الباقی السلام عليك و علی علیه
 السلام یا فقیه بک انشد انک قد اتممت الصلوة و اتممت الزکوة و امرت بالمعروف
 و نهیت عن المنکر و عنیت الله فالصالحین ایاک البقیین و السلام عليك و رحمة
 الله و بركاته و دعا رسالت بسم الله الرحمن الرحیم اللهم سبحانک انما استسألت
 باسمک الاعظم العظیم الاغلاجل الاکرم الذی اذا دعیت به علی مغانق الیوب السحاب
 لتفتح بالفتح للرحمة بالرحمة فتحت و اذا دعیت به علی مضائق ابواب الارض
 لتفتح لتفتح و اذا دعیت به علی سحاب البواب العسیر تسیرت و اذا دعیت
 به علی السموات لتنور و اذا دعیت به علی کف الباشاء و الظلما انک تفت و کلما
 نزل و جهک الکریم اکرم الوجوه و اغز الوجوه الذی عنیت له الوجوه و خضعت له الرقاب

الرحمن

منه وخشعت له الامم واستعجزت له القلوب من مخافتك وبغوتك التي
السماء ان تقع على الارض الا باذنك وتمسك السموات والارض ان
ترزلا وبمشيئتك التي وان لها العالمون وبكلمتك التي خلقت بها
السموات والارض وبكلمتك التي صنعت بها العجايب وخلقت بها الظلمة
وجعلتها ليلاً وجعلت الليل سكوناً وخلقت بها النور وجعلته نهاراً وجعلت النيران
نوراً مبهرًا وخلقت بها الشمس ضياءً وخلقت بها القمر وجعلت القمر نوراً وخلقت
بها الكواكب وجعلتها نجومًا وبروجًا ومصابيح وزينة وجعلت لها رفقاً
ومخاريب وجعلت لها مطالع ومجاري وجعلت لها فللكا ومسابح وقدرتها في
منازلها حسنت تقديرها ومورثها حسنت نصونها واحصيتها باسمائك احصاءاً
وسميتها باسمائك وتبرتها بكلماتك تدبرها وسخرتها بسطان
الليل وسطان النهار واساطيلها وعدو السنين وحساب جعلت رؤيتها
لجميع الناس مرتبة واحدة واستلكت اللقم بحجرك الذي كلمت به عبدك وروكك
موسى بن عمران عليه السلام المعنسين فوق احسن الكروتين فوق غائم النور فوق
تأبوت الشهادة في عمود النار وفي طور سيناء وفي جبل حوربث في الواد المقدس
في البقعة المباركة من جانب الطور الايمن من الشجرة وفي ارض ميعز تسع آيات قنات
ويوم فرقت بني اسرائيل البحر في المنجيات التي صنعت بها العجايب في بحر فسطاط
وعقدت ماء البحر في قلب الفم كالحجارت وجاوزت بني اسرائيل البحر ونمت كلمتك

احسن عليهم باصبروا واورثتهم مشرق الارض ومغربها التي باركت فيها
 للعالمين واعرفت فرعون وجنوده ومراكبه في اليم وباسمك العظيم الاعظم
 الاعز الاجل الاكرم ومحمدك الذي خلقت به لموسى كلمتك في طور سيناء و
 لا ابراهيم عليه السلام خلقتك من قبل في مسجد الخيف ولا سح في صفيك في بيت
 شيع وليعقوب نبيك في بيت ايل واوفيت لابراهيم بميثاقك ولا
 خلقت ليعقوب نسبا ذكرك وللمؤمنين بوعدك وللداعين يا مسلمك
 في حبيب ومحمدك الذي ظهر لموسى بن عمران على قبة ارامان الزمان وبابك
 التي وقعت رفعت وبابك الذي رفعت على الارض معبر مجد القوة والعبادة
 بآيات عزيزه وسيلطان القوة وعبدة القدرت وبث ان الكلمة للتامة وبكلمة
 التي قففت بها على اهل السموات والارض واهل الدنيا والآخرة وحركتك
 التي مننت بها على جميع خلقك وباستطاعتك التي اتمت بها على العالمين وجبرك
 الذي قد فرغ من فرغه طور سيناء وبعثك وجلالك وكبرياك وغررك وجبرك
 التي لم تستقلها الارض وانخفضت لها السموات وانزجت لها العنق الاكبر والارض
 لها النيران والانهار وخضعت لها الجبال سكنت لها الارض مينا كبرها واستسكنت
 لها انهارها وخففت لها الريح في جبالها وخففت لها النيران في اوطانها وسبط
 الذي عرفت لك به العتبة وهر الدجور وحدثت به في السموات والارضين وبكلمتك
 كلمة الصدق التي سبقت لابن آدم وذرية يارحمته واسمك اللهم بكلمتك

غلبت کل شیء و نور و جهک و اللہ ہی تجلیت بلجیل فحیلة و کما و خر موسیٰ صغقا و مجیدک الذ
 ظر علی طور سینا و قلمت بہ عبدک و رسولک موسیٰ بن عمران و بظفک فی ساغیر
 و ظہورک فی جبل فاماں برہوت المقدسین و جنود الکلاکۃ الصاوقین الصافین و تنوع
 الشاکلۃ السبعین و سیرکاکم النبی بارکت فیہا علی ابراہیم خلیک فی ائمہ محمد صلواتک
 علیہ وآلہ و بارکت لاسحاق صغیک فی ائمہ عیسیٰ عا و بارکت لیسعوب اسرارک فی
 ائمہ موسیٰ عا و بارکت لعیسک محمد صلی اللہ علیہ وآلہ فی غریہ و ذریہ

اگر کسی خورده خشک آدمی را با نمک کوبیده و در چشمش سفید کند سفید را ببرد و با چاقو بخنم
 ببرد و بجزیر را بخند و نمک کوبیده و در حال میرونی هر که روغن بنفشه را با اندام خود مالده نرم کند
 و خارش را از اندام ببرد و است عفت نامده روزی یک ساعت عفت روز جمعه اول ساعت
 نیکست تا آفتاب بر آید آنکه بدست ناچا شکاه آنکه نیکست تا نماز ظهر آنکه بدست تا
 خفتن ساعت روز شنبه اول ساعت نیکست تا چاشت آنکه بدست تا روز اول آنکه
 نیکست تا میان دو نماز آنکه بدست تا نماز خفتن ساعت روز یکشنبه اول ساعت نیکست
 تا نماز پیشین آنکه بدست تا نماز خفتن ساعت روز دوشنبه اول ساعت نیکست تا آفتاب
 بر آید آنکه بدست تا چاشتگاه آنکه نیکست تا نماز پیشین آنکه بدست تا نماز خفتن ساعت
 روز سه شنبه اول ساعت بدست تا چاشت آنکه نیکست تا نماز پیشین آنکه بدست تا نماز
 خفتن ساعت روز چهارشنبه اول ساعت نیکست تا نیم چاشت آنکه بدست تا نماز پیشین
 آنکه نیکست تا نماز خفتن ساعت روز پنجشنبه اول ساعت نیکست تا چاشتگاه آنکه
 بدست تا نماز پیشین آنکه نیکست تا نماز خفتن و در دامن کم و بیش ساعت روز شنبه
 هر روزه صبح روز دوازده ساعت شب دوازده ساعت روز دوازده ساعت شب
 دوازده ساعت چون روز چهارده ساعت شب دوازده ساعت سرطان روز پانزده ساعت
 شب دوازده ساعت اسد روز چهارده ساعت شب دوازده ساعت سنبله روز سیزده ساعت
 شب دوازده ساعت میزان روز دوازده ساعت شب دوازده ساعت عقرب
 روز دوازده ساعت شب سیزده ساعت قوس دوازده ساعت شب چهارده ساعت

جدی روزنه ساعت شب با نوزده ساعت حرکت روز یازده ساعت
 شب سیزده ساعت حرکت با نوزده ساعت روز و شب با نوزده ساعت
 احکام روز شنبه ساعت اول روز زحل است بعضی را نیک است ساعت
 دوم شتر است حب را نیک است و پیش از زوال برج است فعل در آن
 نهادن را شاید و بعد از زوال آفتاب است زبان نبدی و دوستی ملوک را
 نیک است و تا پیشین اول زمره است حب نیک است وقت دیگر یاد برانیک است احکام
 روز یکشنبه اول روز شمس است حب ملوک را نیک است و ساعت نهم چاشت است
 حب و فتح ارجال را نیک است و ساعت چاشتگاه عطار است آتش کاری و غنای
 نامه فرستادن را نیک است و ساعت وقت زوال قمر است دوستی را نیک است
 و ساعت وقت نماز پیشین زحل است دشمنی را نیک است و ساعت بعد از
 نماز پیشین شتر است فعل در آتش نهادن را نیک است و ساعت دیگر مرجع است
 بغض و عداوت را نیک است و ساعت نماز دیگر آفتاب را است خویز آتشی را
 نیک است و ساعت بعد از نماز عطار است عمل یاد برانیک است و ساعت یازدهم قمر
 است بغض را نیک است و ساعت دوازدهم زحل است بعضی و عداوت را نیک است
 احکام روز و شنبه ساعت اول روز قمر است عمل با دی و نامه فرستادن را نیک است
 و ساعت نهم چاشت زحل است دشمنی و عقد ارجال را نیک است و ساعت چاشتگاه
 شتر است حب و حاجت خواستن را نیک است و بعد از چاشتگاه مرجع است

دوستی را نیکست و ساعت نهمین زهره است تو نیز حب را نیکست و بعد از
 نهمین عطار و سبت زینان خدی و ششم خدی و ذکر خدی را نیکست و بعد از
 قمر سبت گشت کردن تو نیز ای باد را نیکست و بعد از آن غار و دیگر خل سبت بعض را بحر سبت
 و ساعت دیگر شتر سبت حب و کت و نیکست و بعد از آن مرغ سبت
 حب و آبسن را نیکست و ساعت غار شام آفتاب راست فعل در آتش نهادن
 نیکست احکام روز سه شنبه ساعت اول مرغ راست تو نیز آبسن را نیکست
 و ساعت دوم وقت آفتاب بر آمدن شمس سبت تو نیز نخت ملوک و فعل در آتش
 انداختن را نیکست و ساعت سیم زهره سبت تو نیز حب را نیکست و بعد از آن
 عطار و سبت حب را نیکست تا شام و ساعت شام قمر سبت تو نیز باد را نیکست
 احکام روز چهارشنبه ساعت اول عطار و سبت عود را نیکست و نیم جانشین
 و دین و خواندن سلاطین و حساب است را نیکست و چاشنگاه زحل سبت بعض
 عداوت را نیکست و بعد از چاشنگاه شتر سبت حب و دوستی قضای را نیکست و چاشنگاه
 بهشت از نوال مرغ سبت بعض را نیکست و نهمین آفتاب راست زبان
 و دوستی را نیکست و بعد از آن زهره سبت حب را نیکست و ساعت دیگر عطار
 سبت زبان خدی را نیکست و نزدیک غار و دیگر قمر سبت نامه نوشتن و
 دوستی را نیکست و بعد از غار شتر سبت تو نیز آتشی و دوستی را نیکست
 و نهمین سبت تو نیز آتشی را نیکست احکام روز پنجشنبه ساعت اول

مشرب سبب غویر دوستی را نیکبست ساعت و نیم مرغی داشت بغض را نیکبست چاشمشگاه
 آفتاب راست دوستی جبهه طوک را نیکبست و بعد از چاشمشگاه زهره سبب غویر حب
 نیکبست وقت ذوال عطار و سبب زبان بندی را نیکبست و غایب پسین زحمت غمی را
 و بعد از نماز مشرب سبب غویر حب را نیکبست و نزد یک نماز دیگر شمس سبب غویر دوستی
 و کسودن عقود را نیکبست احکام روز جمعه ساعت اول زهره سبب غویر راست حب
 نظیر ذار و ساعت نیم چاشت عطار و سبب عقود و خواب بند را نیکبست و چاشمشگاه خورشید
 علمای الهی را نیکبست و بعد از چاشمشگاه زحمت بغض و عداوت را نیکبست وقت ذوال
 مشرب سبب دوستی را خوبست و غایب پسین مرغی سبب آتش کاری خوبست ساعت نهم
 آفتاب راست دوستی نوک و علمای آتشی را نیکبست ساعت هشتم دوستی خوانین و
 پسران امر و را نیکبست ساعت نهم زبان بید و خواب بندی را خوبست ساعت دهم
 قمر سبب غویر دوستی را بود ساعت یازدهم زحمت دوستی و عقد البطل را نیکبست ساعت
 دوازدهم مشرب سبب دوستی را شاید و اگر غویر نویسی بر حب یا بغض باید که نخست این
 ساعت بداند و اگر ساعت نداند هیچکار بر نیاید و اگر در ساعت زهره حب را
 بر آید و در ساعت شتری حب را نیک بود و در ساعت قمر خواب پسین و
 مردی کشت و نیک بود و در ساعت زحل زبان بندی و دشمنی بر آید و در ساعت
 شمس مجنون باید و در ساعت مرغی دوستی و بغض نیک بود و در ساعت عطارد
 زبان بندی و خواب پسین نیک بود و چون این مقدمه را شنید آتشی بر عکس نماید

را
 غیبی

خوب برآید و اگر نداشت با شش مطلق فایده ندهد و بعد از آن بد آنکه مردمان این چهار طبع
 خالی نیستند آبی آتشی و خاکی و بادی و آتشی که طالع او آبی بود تو نیز او را آب باید
 انداخت و بادکنار آب باید فرو برد و آتشی که طبع او آتشی بود تو نیز او را آتش باید
 انداخت و آنکه طبع او خاکی بود تو نیز او باید در خاک دفن کردن و آنکس که طبع او باد
 بود تو نیز او را باد باید آویخت و هر یک تو نیز که بنوبسی بنام چهار کس باید نوشت بنام
 و مادر خود و بنام او و مادر او که خواهی و بحسب آنچه جمع دوازده دوازده طبع کن تا باقی
 چند باشد اگر یک ماند حل است و اگر دو ماند نور است و اگر سه ماند جور است و اگر
 چهار ماند سرطان است و اگر پنج باشد اسد است و اگر شش باشد سنبله است و اگر هفت
 میزان است و اگر هشت باشد عقرب است و اگر نه باشد قوس است و اگر ده باشد جد است
 و اگر یازده باشد دلو است و اگر دوازده باشد حوت است که بسیار خوب است و اکنون
 آیدیم بدوازده بروج و شرح آن که پیدا کنیم و بدان حمل خانه مریخ است و آتش است
 و آنکس که طالع او حمل باشد دوستی و خواب بسن در حق او خوب است اما تو نیز او
 در آتش باید انداخت و یا ز آتش باید دفن کرد و چون تو نیز بنوبسی روز شنبه
 و یا شب شنبه بنوبس که باشد حمل در بین روز و شب است و چون این
 ترتیب نگذاری هر چه بنوبسی خوب آید و خط نیفتد و نور خانه زهره است خاکی و
 ماده است و آنکس را که طالع او خاکی باشد دوستی بنام او بهتر آید اما تو نیز او در
 خاک باید دفن کنی و چون تو نیز بنوبسی روز آینه یا شب شنبه بنوبس که

بادشاه نور دین روز و شب سب و هر غویز که بر بنو حیب بنویسی خطا نیفتد و خواب
خانه عطار درست و یادی و تربیت و انگس را که طالع او جزا باشد در حق او غفلت
و خواب بندی و نه جان بندی بهتر آید اما غویز او بر باد باید او بخت و چون غویز بر شود
روز چهارشنبه و یا شب یکشنبه باید نوشت ز بر او که بادشاه جزا دین روز و شب
و چون

۱۰۰
و قد نبه عليهم كذا و ائمة السلام و كما غلبا عن ذالك و لم يشهدوا و امناب و لم يروا
و عدا ان تصلي على محمد و ان تبارك على محمد و ال محمد و رحم على محمد و ال محمد كفضل

ما صلیت و بارکت و رحمت و ترحم علی ابراهیم و آل ابراهیم انک حمید مجید
لا تردوا انت علی کل شیئی قدیر شهیدید ازین بر حاشنبکه داری طلب کن پس بگو
یا حی یا قیوم یا منان یا مدبر السکون یا ذا الجلال و الاکرام یا ارحم الراحمین ثم
قل اللهم کنی بالذی دعا و تحیی بالاسماء و الی لا یعلم غیبها و لا یختم علیها و لا یظهرها و لا یخفیها
صلی علی محمد و آل محمد و افعی یکذا و کذا و انتقم لی من فلان بن فلان و اغفر لی ذنوبی ما تقدم و ما تأخر
و وسیع علی من جلال و کفنی منته ان ین سوب و جارب و قرن سوب و سلطان
سوب و انک علی ما تشاء و کل شیئی عظیم بین رب العالمین ترکیب بجهت فریب شدن از
و هر علت که در شکم داشته باشد دفع شود یکی انار یاون یک انار اجوبین یکی انار
زرد چوب یکی انار که بر سر یک پا و کاهار نیاید شک سینده نیاید و کلونجی یک انار یک نیم
چیتا نیم انار و نیایم انار سی نو یک انار کوزه نیاید و باز یک یک پا و شک سینه نیاید
خورد یک پا و شرف یک انار مرغ یک انار زنجبیل نیم انار کاهل نیم انار شک کاهل و انار
اینها را خرد خوب کوفته و در ظرفی کشته اندازند و سرکه تند با او مخلوط کرده تا سه روز جای
گرم نگه دارند و بعد از آن برآورده در آفتاب خشک نمایند و روزی سه بار بوزن چو انک بر پا
بدهند بجهت دفع نمودن گرم که در شکم اسب بهم میرسد و اسب را لاغر میکند بکزی یک
برک پیل و یک انار برک سندی و یک انار اجوبین و یک انار تخم مدائی و نیم انار شک
و یک مثقال چو انک سسما که همه را کوفته در میان کره کوزه از بول افقال دوساله نهد
نخج نهند و کره را در زمین و فن کنند چنانکه سرکه نمایان باشد و قهاده روز یکبار بنهند

10

خوب کند شود و هر روز مقدار آب و آرد صبح با آب بخوراند شکم آب پاک و
 صاف گردد و فریب نگیرد و اگر برکت نهد که در باغها می شود بخوراند همین عمل کنند
 سکنه منی بخوراند همین فایده بخشد و کثرت در بخت لکته سفیدی که در چشم آب
 بهم میرسد آب گل کثرت بود را هر صبح چشم آب بچکانند بر طرف شود و از غلظت
 اطفال را نازک چشم آب بچکانند سفیدی را به بود و آب با سی را هر صبح چشم آب
 بچکانند بر طرف شود و آب برکت در خفت سرس را به چشم بچکانند همین عمل کند
 پیفتگی را بسوزانند و در میان که آب بریزند و شب زیر آسمان بنهند و صبح
 چشم آب بچکانند همین عمل کند

کدام خورش بنزد گفت کورشت کوسند گفتم بخت چیت و نصیب چه گفت هر چه رسد
آن بخت باشد و هر چه نرسد آن نصیب باشد گفتم قابل را کونیو گفت طالب معنی را گفتم
جوانه چیت و پیر چیت گفت تندرستی جوانه و سستی پیری گفتم پیرا چه باید کرد و
جوان را چه باید گفت پیرا آتسندی و جوان را شرم و دلبری گفتم کدام نده مایه را بگوید
گفت آنگاه که دارد و قرآن خواند گفتم محبوب و لها کیت گفت اهل انصاف گفتم در کشتن
کدام جانور رفقت بخیزد گفت ماهی گفتم عشق چیت کیت و عاشق کیت گفت عشق گوهر است
و عاشق خواص گفتم هیچ چا بود که هر روز در انجاشادی و همان باشد گفت و در آن خانه که بچه باشد
گفتم خواب بهتر بیداری گفت خواب برادر بر کیت پس بیداری بهتر از خواب گفتم دل
در یافتن چیت گفت رسیدن طالب را به طلب گفتم مرد کدام بهتر صاحب عوت کرد

گفت به هر چه کاری گفتیم بر چیز کار کرد اگو بند گفت سنا سنده لغت را گفتیم لغت چگونه شناخت
 شود گفت از بصارت گفتیم کامل کرد اگو بند گفت مرد بخند را گفتیم بخند چگونه حاصل شود گفت
 از علم و نیز گفتیم علم چیست گفت علم حکمت است خداوند را گفتیم هر که علم دارد و فهم دارد و فهم
 ماند گفت در خست که سپهر ندارد و گفتیم اگر کسی را علم نباشد و نیز باشد او را چه گویند گفت
 جاهل با نیز گفتیم جهالت چیست گفت نه انصاف گفتیم نه انصاف کرد اگو بند گفت هر که
 علم باشد و عمل نباشد گفتیم علم چیست و عمل چیست گفت علم دانستن و عمل کار کردن گفتیم
 چیست که کرد او بر زبان بسیار راند گفت من احب مشتاقا و کره یعنی هر چیزی را که دوست
 دارم و او را بسیار یاد کند و اندام علم بالصواب مرویست که تعبیر خواب از
 امام ناطق جعفر ابن صادق علیه السلام ثبت است اصح آن حضرت فرموده اند هر که
 در اول ماه واقعه بیند در فرج سن و دوم و سیم ماه اگر خبری در واقعه دیده باشد
 آن بوقوع آید و اگر خبری خبر پیش آید چهارم و پنجم و ششم ماه خوابا که بیند بر در ماه و سیم
 و بار و چند تعبیر آن باید پنجم و ششم ماه آنچه در خواب بیند تعبیر آن باشد و نهم و دهم و یازدهم
 اصلا تعبیر ندارد و یازدهم و دوازدهم تعبیر ندارد چنان شود که در خواب دیده است سیزدهم
 و چهاردهم نیز دروغ تعبیر ندارد و یازدهم و بیستم و بیست و یکم و بیست و دو و بیست و سه و بیست و چهار
 چند روز و یا ماه و سبب تعبیر موافق واقعه باشد بیست و نهم و بیست و دهم و بیست و یازدهم و بیست و
 تعبیر آن نوزدهم و بیست و بیست و یکم و بیست و دو و بیست و سه و بیست و چهار و بیست و پنج و بیست و شش
 فرج بود و شادی بیند بیست و سیم و بیست و چهارم اگر نیک بیند خلاف آن

۱۰۳
و اگر بدیند نیز عکس آن بنام آید برینم و نهم و بیست و ششم بنام آید
ایام تعمیر بطور آید

۳

که چیز بیل ۴ برای رسول خدا صلی الله علیه و آله بهدیه آورد و از بهشت و آنحضرت
بحضرت امیرالمومنین صلوات الله و سلامه علیهما بخشیده از حضرت امیرالمومنین

صلوات الله علیه منقول است که آنکس که خراج بایده در آنکشت کرده بودند و با آن آغاز کردند
 چون از آغاز خراج عشتراک شد و این را بدین دادند و فرمودند که این آنکس را در آنکشت
 دست راست خود کن و با آن آغاز کن که آغاز در خراج بانی برابر بفتاد و عمارت است
 ظهور الله الحمد لله رب العالمین و العاقبة للمتقين و الصلوة علی رسول محمد و آله و صحبه
 و علیهم السلام بدان است که آنکه در این کتاب روایت است که در روزی نو شیروان عادل
 خواهر بزرگوار که وزیر او بود طلب کرد و فرمود که برای ما کتابی برد ان شاء خور و بزرگ و
 آسان و مشکل چنانچه در جهان بکار آید و در آنجهان راه نماید و عزیز دلها گردد و بزرگوار است
 و برادر سلطان پس که استناد او بود یافت و گفت که ای استناد امروز مرا بپوش
 کاری فرموده است آسان و مشکل بمن راه بافته و پیش مرا گذر کرده اند و در میان
 که چه مشکل فرموده گفت که آسان و مشکل خود و بزرگ الفاظ شیرین و عجايب
 مرغوب چنانچه در جهان بکار آید و در آنجهان راه نماید گفت نیکو فرموده است که چنانچه
 مرغوب بحال و بصورت نعمت درین باید پرداخت که در آغاز مشکل نماید و چون فهم
 کند آسان گردد استناد گفت سوال کن پس بزرگوار سوال کرد از سلطان پس جواب داد
 چون یافت روز که گفت کتاب مرغوب است ظهور الله نام نهاد و پیش پادشاه نو شیروان
 بر نو شیروان عادل مطلق کرد و پسند فرمود که این کتاب را باب در بنویسند و روز
 سلطان بیکر و آغاز از سوال بزرگوار پرسید که ای استناد از این کتاب چه باید خواست گفت
 غیر و عاقبت گفت در این راه سلوک چیست گفت التقییم امر است که غم عمر گذارم شغل باید

که را بنده گفت تحصیل علوم کفتم تحصیل علم چه اثر بد گفت اگر که باشد
مهر کرده و اگر فقیر بود توانگر گردد کفتم راه راست چگونه شناخته شود گفت
بروستانی علم کفتم دنیا را گویند گفت هر چه در آخره کار نباید کفتم راه
سودک چیست گفت مغلوبیت نفس کفتم بیه نفس مغلوب گردد گفت
بازگ خوردن کفتم اندک چگونه خورد گفت اندک اندک کم کند کفتم است
چه حاصل شود گفت اندک خوار اندک خوار بسیار خوار بسیار خوار کفتم بدی در حق که باید
کرد گفت با نفس خود کفتم آن چیست که در محل دیگر بکار بندد و در جای دیگر برادرند گفت نیکی
اینجهان و باو ائمه انجمن کفتم خوشنود خدا تعالی چه حاصل کرد گفت از خوشنود مادر
و پدر کفتم مسورت با که باید کرد گفت با مرد و انا کفتم مرد و انا را گویند گفت انا را
گوید بسیار شنود کفتم کدام وقت سخن بیاورد گفت جواب داد آندم که کسی حکایت کند
کفتم نیک بخت چگونه شناخته شود گفت به علامت یکی طالب علم در نیم سخاوت سپوم
خنده روی کفتم سخی را گویند گفت باذل جوهر کفتم حد سخاوت چیست گفت بذل جوهر
کفتم بزرگترین کار چیست گفت محاسن علما و فقر کفتم علما را گویند گفت عارف کفتم
عارف را گویند گفت کم آزار را کفتم کم آزار را گویند گفت آنکه خود را از دیگران کمتر داند
کفتم آنرا نیکو چه حاصل شود گفت از محبت علما و فقر کفتم روشنائی و لها چیست گفت یاد
کردن موت کفتم تاریکی و لها چیست گفت مسئولی حساب در علم و مال کفتم در بین چه
چگونه باید بود گفت خشنود و بگذری کفتم بر تنزل چگونه توان رسید گفت از سبکبار

کفتم

گفتیم مرد را از جهان چه بهتر گفت و چندام را درین و بدین را دویم گفتیم مرد بچه شناسان شود
 گفت بچه را گفتیم کدام سخن راست و دروغ نماید گفت سخن روز جوانی و در وقت
 پیری و بیانی نواکثرین در فقیر بچه گفتیم از یارید یا چگونه باید برید گفت از حاجت
 خوشن گفتیم زن از چه مضطرب آید گفت دست کوتاه گفتیم فرزندان خلف بچه را
 گفت چنانچه اکت زاید اگر بریند و رو کند و اگر بداند عیب باشد گفتیم محبت
 از چه کم کرد و گفت از قرض شناسان گفتیم آب چگونه باید نوشید گفت اند
 اندک بسیار بار گفتیم طعام چگونه باید خورد گفت استنشاق باقی داشتن گفتیم بغیر
 خوردن نندرسستی از چه خبر و گفت از سه چیز حایه خوش و بوی خوش و درازدوستان
 گفتیم باکی و ندان چیست گفت خلال کردن گفتیم صافی و ندان چیست گفت سواک
 کردن گفتیم ثبات سخن چیست گفت صدق گفتیم مقبول و لغا چیست گفت صادق
 گفتیم صادق را که بینه گفت آنکه دروغ گوید گفتیم صابر بهتر یا شاکر گفت صبر
 بغیر شاکر کجا گفتیم صابر را که بینه گفت آنکه تحمل کند و رنجداید بسیار گفتیم صبر از چه
 خبر و گفت از صدق گفتیم صدق چگونه حاصل شود گفت از نیکو حال خوردن گفتیم حلال
 از چه شتاخته شود گفت از کسب گفتیم بهترین کسب چیست گفت زراعت کردن
 گفتیم بدترین کسب چیست گفت می فروختن گفتیم مرد و زن فرق چیست گفت از
 زمین تا آسمان آسمان تا نیاید بر زمین حسین بگوید گفتیم مسافر بهتر یا غیم گفت مسافر
 آب روان و غیم آب استاده گفتیم دارا را که بینه گفت نازک دنیا گفتیم از صحنه او چه فایده

است
 ۲

گفت اثر آن گفت تعظیم همان چیست گفت نمازه روی و زید بن گفت همان چیست
گفت اول سلام بعد کلام و بعد آن طعام گفت بوقت آمدن همان چه اعلیٰ کنند
گفت استقبال کردن بعد رسانیدن و در گفت و روی کنایه چیست گفت نوید کردن
گفت صادق درست گویید گفت آن دبی را گفتم بغیر آنچه باید کرد گفت نه کمال
ترک میال گفت از جمله در و کلام در و کلام میبرد و موافقت نماید گفت کلام طلب گفتن
با و کردن موت گفت کلام

و چون این حساب بدانی هر چه علی کنی ضایع نشود و سلطان خانه فرست و آب است
و آنگس را که طالع او سلطان باشد خواب بستی و مردی کشتن در حق او بهتر آید
اما چون تو نیز نویسی روز دوشنبه و یاد شنبه او بدین نویسی زیرا که بادشاه
سلطان درین روز و شنبه است و تو نیز او را آب بپا نداخت و با تردک
آب با بر دهن کوه و اسد خانه آفتاب است و آتش است آنگس که طالع او است

بعضی و ششتری در حق او بهتر آید و چون نویسی در یکشنبه و یا شب یکشنبه بنویسی که
 باد شاه اسد و این روز و شب است و تقویر را در آتشش افکن بهتر آید و سنبه
 خانه عطار و سب خاکی و ماده سب آن کس که طالع او سنبه باشد و سستی بنام او
 بهتر آید و تقویر او را در خاک باید دفن کردن و چون تقویر نویسی روز چهارشنبه و یا
 شب یکشنبه باید نوشت و چون این حساب را نگاهداری هر چه نویسی خوب و نیک
 نوز بود و ضایع نشود حساب ابجد این است الف یکی ب ۲ ج ۳ د ۴ ه ۵ و ۶ ز ۷ ح ۸
 ط ۹ ی ۱۰ ک ۱۱ ل ۱۲ م ۱۳ ن ۱۴ س ۱۵ ط ۱۶ ع ۱۷ ف ۱۸ ص ۱۹ ق ۲۰ ر ۲۱ ش ۲۲
 سا ۲۳ ط ۲۴ ت ۲۵ ث ۲۶ خ ۲۷ سا ۲۸ ق ۲۹ ض ۳۰ ظ ۳۱ سا ۳۲ غ ۳۳ ه ۳۴ ا ۳۵ ک ۳۶ گ ۳۷
 آتشی و اگر دو ماند نور باشد خاکی و اگر سه ماند جوزا باشد باری و اگر چهار ماند سطر
 باشد آید و اگر پنج ماند اسد باشد آتشی و اگر شش ماند سنبه باشد خاکی ماده و خانه
 عطار و اگر هفت ماند میزان باشد بادی و اگر هشت ماند عقرب باشد آید و اگر
 نه ماند قوس باشد آتشی و اگر ده ماند جدی باشد خاکی و اگر یازده ماند دلو باشد
 زو باد و اگر دوازده ماند حوت باشد ماه و آب و اگر باب بانک خوس که
 بیوقت در شب بانک و در چه واقع شود اگر شب شنبه بانک و در خورشید حساب
 خانه برسد در شب یکشنبه مرکب نزدیک بود صاحب خانه را و اگر یکشنبه و سنبه
 سهانه بود صاحب خانه را و از آن مهان نفع یابد و در شب سه شنبه صاحب خانه
 از سلطان توبیم بود و در شب چهارشنبه هدایا افتد میان مردم و زن در شب یکشنبه

روز یکشنبه
 روز یکشنبه

نو انکس به افند در آن خانه و در شب جمعه در آن خانه مستور بمیرد فقط
 در فضیلت فیروغ و خرج بان از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست هر که انکس ^چ فیروغ
 در دست داشته باشد و سنش فقیر شود و از حسن بن علی بن مهران منقولست که بنده
 حضرت امام موسی کاظم ع رفتم در آنست آنحضرت انکس به و بهم که قبش فیروغ بود و نفس ^{اسد}
 ملک بود من بسیار نظر میکردم در آن انکس فرمود چه نظر میکنی گفت که حضرت ابراهیم ^ع صلواته
 علیه انکس فیروغ داشتند که نفقه آن الله ملک بود دست فرمود که آنرا همیشه کفتم نه
 فرمود که این همان انکس است و این سنگ است که جبرئیل ع

انکس
 فیروغ

تعبیر شود آید بیت و نهم و بیست و هشتم هر چه درو افتد بدو با شش نفر باید بیست و نهم دروغ است

سی ام النبیه البیه راست است موافق قول امام و موجب است که تغییر یابد درین وقت
ملاحظه میباشد که اگر بدیند کسی گوید و این دعا را سه نوبت بخواند تاثیر آن خوب
نمیباشد کرد و بفرمان خدا بجا این است بسم الله الرحمن الرحیم سبحان الله و بحمده
و اعظمنا و لا حول و لا قوت الا بالله العلی العظیم فقا فایده اگر کسی را این دعا
باشد و عقل نقصان پذیرد و در نظر تفاوت کرد و دل ضعیف شود سخن گفتن و شنیدن
خوش نیاید و راه رفتن نیز نتواند نموناند که باشد خواب پریشان بیند اشتها کم گردد
صفت آن بیمار دانه خشکاش و ناسانه از هر یک ده درم خود نموناید و اخود
بچند درم شش درم باید و در دو سیر شیر مایه گا و جوشانده تا سه هفته وقت
خفتن بخورد شکمی و مانع بود و موقوتی کرد و نظر روشن شود و جمیع علت را دور سازد
فایده علاج تسلسل بول که چند سیه یا هر روز نه درم بخورد و قه نموناید علاج صفتش
بیاروخ بر کسئون آب از کاشیده با برنج ازین پیرو همدان محل که بخت باشد
خود را پوستانیده در جای که باد نوزد و از آنجا بیرون نباید تا یک هفته و از آنجا
بر تشنه ها و سگ و ماش احتیاط نماید بعنایت الهی فرصت کلی باید
فایده علاج درد کمر اگر خدا نخواسته کسی را درد کمر باشد دیگر علاج این است
این ترکیب محل آرد است را اندا کرد و در ده ساله باشد شفا یابد صفت آن
لوت بگویم بهلولی کوفته سه حصه نماید و سه روز ناستا با آب نماند بخورد
و از ترشی و باوی ملاحظه نماید فایده علاج مارگزیده فی الحال زهره ما کبان

بشد
بشد

با خروس بجای که مار زنده باشد بماند از فضل خدا هر کار کند فایده اگر کسی از دم
بگذرد فی الحال جای نیش او نکس بماند دفع شود و باید علاج بستن بول بیار و سنج
حفظ کند بزم بخورد بعد از یک ساعت یا دو ساعت بکشد باید و نمک اگر دل در
و شالی بریان کرده بخورد تا زنده باشد بول بسته نکند و باید علاج سرفه بیار و
سونت و اجوابن و نمک سبزه و بنج چیت از هر یک به بولی وزن و همه را کوفته
و پنجه صبح و شام بوزن شش رطل آب گرم بخورد و از ترشی و بادی و جرب و ملاحظه نماید
این را الله تعالی و یک هفته دفع شود و باید بجهت خوراندن اسب برای دفع آزار سرد
و گرم دزد چوب پا و آمار زنجبیل کلان پا و آمار فلفل در آرد و آمار اجوابن پا و آمار
رائی پا و آمار کالی زیری و آمار کالبس و آمار کشکی و آمار بزرگ پا و آمار اندر جو
و آمار سمندر پهل و آمار اجوابن کرمانه و آمار جوا کهار کوکل و آمار سهپاک
و آمار سچی یک آمار نمک سیاه و آمار کچر سی پا و آمار باد بیل پا و آمار هر
زنگی پا و آمار لعل بول و آمار انکوزه یک آمار

روایت میکند انس سالک سلمان فارسی رحمه الله علیه که حضرت رسالت ^{صلی الله علیه و آله}
صلی الله علیه و آله در مسجدی بنشینده بود که مردی اعرابی از دور آمد و سلام
مر رسول را و گفت از راه دور آمدم و میسر نمیشود که در خدمت شما باشم
و آمده ام که سوال چند دارم جواب بآن از شما بشنوم و بدان راه روم که فرستید
رسول گفت حوال کن آن اعرابی گفت منجوام که دانا تر بنمایم مردمان با ششم فرمودند

که از خدا